

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۰۹
پنجشنبه ۱۱ دی ۱۳۵۹، مطابق با
۲۴ صفر ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

هشدار! هشدار!

امریکا در آستانه اجرای توطئه هفتم است

* تهدید ایران از طرف محافل امپریالیستی آمریکا اوج بیسابقه‌ای گرفته است.

امپریالیسم آمریکا، متحدان و دست‌نشاندها، دیگر آشکارا ایران انقلابی را تهدید به اعمال زور و دخالت نظامی می‌کنند. مضمون اصلی سخنان همه مقامات آمریکائی، یوزره سردمداران

در پاسخ این سؤال خبرنگار شبکه تلویزیونی «ان. بی. سی» آمریکا، که:

«آیا برقراری محاصره دریایی با نیروی دریائی، حملات هوائی و یا انجام عملیات نجات (تهاجم نظامی طیس) را برای نجات گروگانها محال میدانید؟» گفت: بقیه در صفحه ۷

مردم قهرمان ایران! زیر پرچم امام خمینی متحد شویم. در این صورت، آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند

در پی کشتار مردم بی دفاع اهواز توسط تجاوزگران صدامی در اهواز عزای عمومی اعلام شد

بعد از ظهر روز سه شنبه ۹ دیماه ۵۹، تجاوزگران صدامی، که از رویاری شدن با دلاوران انقلاب در جبهه‌ها به شدت به هراس افتاده‌اند، باردیگر شهر اهواز را به شیوه معمولی فاشیستی خود، زیر آتش توپخانه سنگین گرفتند. در این حمله، مناطق مسکونی، محل عبور و مرور مردم و یکی از مساجد اهواز به شدت زیر آتش قرار گرفت و در نتیجه دهها تن از هموطنان ما شهید و یا زخمی شدند. بدنبال این حادثه، از سوی امام جمعه اهواز، جامعه روحانیت مبارز و فرمانداری اهواز، به منظور همدردی با بازماندگان شهید و مجروحین این حادثه، عزای عمومی اعلام شد.

«نامه مردم». ما ضمن ابراز همدردی با خانواده شهید و مجروحین این حادثه، اعمال جنایتکارانه و فاشیستی تجاوزگران صدامی را در قتل عام مردم بی دفاع شهرها، به شدت محکوم می‌کنیم و مطمئنیم که خلق قهرمان ما سرانجام تجاوزگران صدامی، این عاملین اجرای توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را با شکستی مفتضحانه روبرو خواهد ساخت و انتقام خون این شهید و سایر شهیدان انقلاب در سراسر جبهه‌های غرب و جنوب کشور را از آنان خواهد گرفت.

در پی آتش دقیق نیروهای انقلاب

لطمات سنگینی به تجهیزات و نفرات دشمن متجاوز وارد آمد

* جنگنده‌های نیروی هوایی ایران، یک فروند هواپیمای عراقی را سرنگون و چندین فروند را مجبور به فرار کردند.

نبرد با تجاوزگران صدامی در تمام جبهه‌ها به شدت ادامه دارد. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران طی اطلاعیه شماره ۳۵۳ خود، قسمتی از عملیات نیروهای انقلاب را در روزهای ۹ دیماه ۵۹ بدین شرح اعلام کرد. در اطلاعیه از جمله آمده است: ۱- ساعت ۶:۴۵ بامداد دیروز (۹ دیماه) ۲ فروند هواپیمای

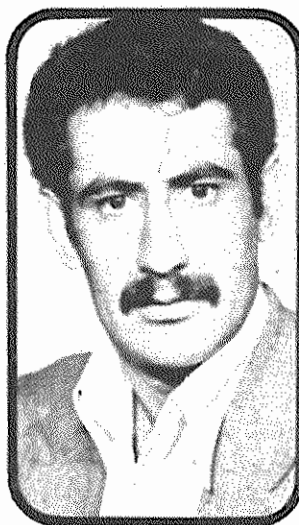
۲- روز ۸ دیماه در اثر اجرای آتش توپخانه و تانک یکانهای رزمنده ارتش جمهوری اسلامی ایران بر مواضع دشمن در جاده آبادان - ماه‌شهر و بهمنشیر، ۳ دستگاه تانک، یک دستگاه خودرو زرهی، ۲ دستگاه لودر، تعدادی خودروی نظامی و یک آشیانه تیربار منهدم شد و بیش از ۳۰ تن از افراد ارتش عراق به هلاکت رسیدند. ۳- در جاده دارخوین-آبادان، با آتش موثر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، ۴ سنگر گروهی دشمن به آتش کشیده و بقیه در صفحه ۲

سال نو میلادی

را به هموطنان مسیحی صمیمانه تبریک می‌گوییم و موفقیت آنان را، در اتحاد با سایر هموطنان، در مبارزه به خاطر ایرانی مستقل، آزاد و آباد آرزو مندیم

نه، این قافله را سرباز ایستادن نیست

رفیق کارگر، امیر علی خانی، در جبهه جنگ قهرمانانه شهید شد



سحرگاه دوم آذر ۵۹، رهرو دیگری از قافله خونین توده‌ایها، جان خویش را نثار انقلاب و آرمان طبقه کارگر قهرمان ایران کرد.

رفیق امیر علی خانی در روستای کندلانت، از توابع امامزاده‌هاشم رودبار، در یک خانواده دهقانی بدینا آمد. کودکی و نوجوانی او در زیر ستم و غارت و حشیانه فئودالها و زمینداران بزرگ گذشت. او، که فرزند رنج بود، با کار شبانه‌روزی توانست دیپلم بگیرد و سپس در جستجوی نان، به طبقه کارگر ایران پیوست و در شهر صنعتی قزوین مشغول بکار شد.

رفیق امیر در آستانه انقلاب شکوهمند ایران به حزب طبقه خود، حزب توده ایران، پیوست و از این پس فعالانه در سنگر حزب طبقه کارگر ایران به فعالیت پرداخت. رفیق علی خانی با آغاز تهاجم امپریالیستی رژیم جنایتکار صدام به خاک میهن انقلابی، با اینکه

خاک میهن ما ریشه کن نشود، طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان ایران، از جمله خانواده من، از استعمار و فقر نجات پیدا نمی‌کنند.

رفیق قهرمان روز دوم آذر ۵۹، در جبهه دزفول، در حالی که در صف اول نبرد با دشمن تجاوزگر می‌رزمید، هدف گلوله دشمن قرار گرفت و به شدت زخمی شد. او را به تهران آوردند و در بیمارستان بستری کردند. در لحظات پایان زندگی این رفیق قهرمان، کسی از آشنایان بر بالینش حاضر نبود. خانواده‌اش هنوز خبر نشده بودند و رفیق کسی را در تهران نمی‌شناخت. او به مجروح دیگری، که در تخت کنار او خوابیده بود، گفت: «بیا مرا به خانواده‌ام برسانید. از آنها می‌خواهم راه مرا، راه حزب توده ایران را، که راه پیروزی طبقه کارگر ایران است، ادامه دهند. به آنها بگوئید که من در راه دفاع از انقلاب و بقیه در صفحه ۲

مسافرت کیسینجر به خاورمیانه و توطئه مداخله نظامی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران

موقعیت جبهه‌پایداری، شرایط تسلیم طلبانه موافقت‌نامه‌های «کمپ دیوید» به این کشورها نیز تحمیل گردد.

اما برخلاف نقشه‌های مبتکرین موافقت‌نامه‌های «کمپ دیوید»، بر اثر تحولات انقلابی که در این منطقه بیزان امپریالیسم آمریکا بوجود پیوسته، اجرای این موافقت‌نامه‌ها با شکست روبرو گردید. اینک امپریالیسم آمریکا تلاش دارد که بوسیله کیسینجر، طراح اصلی این طرح خائنانه، موافقت‌نامه‌های «کمپ دیوید» را از این شکست قطعی نجات دهد و راه‌حلی برای ادامه حیات آن بیابد.

از سوی دیگر، مسافرت کیسینجر به این منطقه را بر زمینه توطئه‌ها و طرح‌های مداخله نظامی امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران و نقشه ایجاد یک پیمان نظامی با شرکت رژیمهای ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم آمریکا در این منطقه باید ارزیابی کرد. امپریالیسم آمریکا پس از شکست ششمین توطئه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، بقیه در صفحه ۲

آمریکا در برابر کشورهای عضو جبهه پایداری، یعنی سوریه، الجزایر، لیبی، جمهوری دمکراتیک خلق یمن و سازمان آزادی بخش فلسطین بوجود آید و با تضعیف

در صفحات بعد

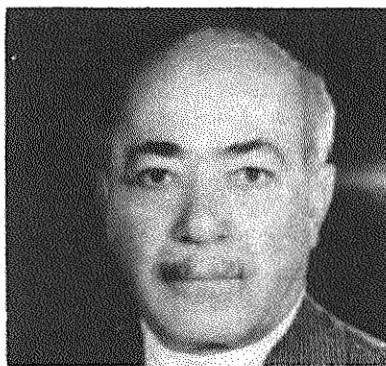
در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد: برای مقابله با آمریکا باید خود را آماده و تجهیز کنیم

«ارتجاع»
«لیبرالیسم»
«انقلاب»
صفحه ۶

کیسینجر، وزیر امور خارجه اسبق آمریکا، به قصد دیدار از اسرائیل، مصر، عربستان سعودی، عمان و مراکش راهی منطقه خاورمیانه شد. با اینکه اعلام شده است که مسافرت وی به این کشورها جنبه «خصوصی» دارد، ولی در عین حال گفته میشود که این مسافرت با توافق رونالد ریگان رئیس‌جمهور جدید ایالات متحده آمریکا انجام میگردد. با توجه به این مطلب که کیسینجر در مقام وزیر امور خارجه آمریکا، در زمان خود، یکی از مبتکرین عمده طرح موافقت‌نامه‌های «کمپ دیوید» و مجری اصلی این موافقت‌نامه‌ها بوده‌است، مسافرت کنونی وی به این منطقه مسلماً باسرنوشت این موافقت‌نامه‌ها و مشکلاتی که بر سر راه اجرای آنها پدید آمده، در ارتباط است. یکی از اهداف عمده موافقت‌نامه‌های «کمپ دیوید»، علاوه بر ااداکردن رژیم خیانت‌پیشه سادات به تسلیم در برابر تجاوز و سیاست توسعه طلبانه اسرائیل، جلب دیگر کشورهای عربی به این موافقت‌نامه‌ها بوده‌است، تا بدینوسیله جبهه گسترده‌ای از رژیمهای ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

در گذشت ولی الله مظاهری، رفیق با سابقه حزبی و مبارز قدیمی



چهارشنبه هفتاد و گذشته، رفیق ولی الله مظاهری، از اعضای قدیمی حزب توده ایران و مبارز کهنسال و شناخته شده جنبش کارگری و سندیکائی ایران، جان خود را در اثر حادثه ترافیکی از دست داد. در گذشت این مبارز کهنسال موجب تأسف فراوان رفقای حزبی و دوستان اران جنبش کارگری و سندیکائی ایران گردید.

رفیق مظاهری در سال ۱۲۹۳ شمسی در خانواده ای زحمتکش بدینا آمد. وی بعنوان یک کارگر ساختمانی شروع بکار کرد و سپس بعنوان معمار به کار ادامه داد. رفیق مظاهری از همان اوان جوانی قدم در راه دفاع از منافع طبقه خود گذاشت و به همین علت مدت ۴ سال را در زندان رضاشاهی گذراند.

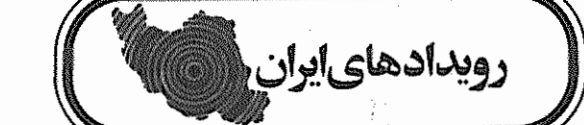
پس از سقوط دیکتاتوری رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰، رفیق مظاهری در سال ۱۳۲۲ به عضویت حزب توده ایران درآمد. وی ابتدا در شورای مرکزی کارگران و سپس بعنوان عضو شورای شهرستان شوری متحد مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران، به فعالیت پرداخت. رفیق مظاهری در عین حال رهبری اتحادیه کارگران بنا را از زمان تاسیس در ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ - بعد به داشت. او در سال ۱۳۳۱ به عضویت شورای مؤتلفه کارگران برگزیده شد و تا کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در این شورا فعالیت داشت.

کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

ضربت عظیمی به جنبش کارگری و سندیکائی ایران وارد آورد. هزاران تن از فعالین سندیکائی و کارگری به حبس محکوم شدند و به شکنجه گاهها افتادند. رفیق مظاهری از بهمن ۱۳۳۴ تا بهمن ۱۳۳۸ در زندان لشکر ۲ زرهی قزل قلعه زندانی بود. ولی این بار نیز شکنجه جلاولان نتوانست در اراده پولادین این عضو وفادار حزب توده ایران و مدافع سرسخت جنبش کارگری و سندیکائی ایران خللی وارد آورد.

رفیق مظاهری پس از رهائی از زندان، بار دیگر به فعالیت سندیکائی پرداخت و در سال ۱۳۳۹، به اتفاق مرحوم تقی باقری، رهبر سندیکای دخانیات و دیگر فعالین سندیکائی، به تاسیس صندوق تعاون همت گماشت.

رفیق مظاهری در سالهای نخست



رویدادهای ایران اعلام آمادگی «واحد حزبی آذرشهر» برای دفاع از میهن انقلابی

فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان - «واحد حزبی آذرشهر» طی نامه ای خطاب به سپاه پاسداران انقلاب - آذرشهر، خواستار پذیرش اعضاء و هواداران حزب توده ایران در بسیج مستضعفین آن شهرستان و آموزش فنون رزمی جهت حفظ دستاوردهای انقلاب شد. در این نامه از جمله آمده است:

«اکنون که ششمین توطئه امپریالیسم آمریکا - شیطان بزرگ علیه انقلاب شکوهمند مردم قهرمان ایران و دستاوردهای آن، بویژه نظام جوان جمهوری اسلامی ایران، با تجاوز نظامی رژیم بعثی فاش و با مقاومت دلیرانه مردم روبرو گشته و در جبهه داخلی نیز کوس رسوایی توطئه گران و ضدانقلاب و لیبرالها در هر کوی و برزن نواخته میشود، توده ایها، که از زمره فداکارترین رزمندگان استقلال و آزادی میهن ما هستند، به استناد به اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران، مندرج در نامه «مردم»، شماره ۳۳۹، اول مهرماه ۵۹، در این مرحله برای خود «وظیفه ای مقدس تر از دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نمی شناسند» و بنا بگفته و تأکید رهبرانقلاب، امام خمینی، که در جهت «وحدت کلمه» و نشان روی تمام تفنگها و قلمها بسوی دشمن شماره یک بشریت، امپریالیسم آمریکا و ایادی مزدور، وظیفه خود میدانند که در کنار مردم جانباز میهن خود به تعهد انقلابی خود عمل نمایند.

لذا پیرو مذاکرات شفاهی، «واحد حزبی» فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان، در آذرشهر، تقاضا دارد که نسبت به پذیرش اعضاء و هواداران حزب توده ایران در آذرشهر برای آموزش فنون رزمی در بسیج مستضعفین جهت حفظ دستاوردهای انقلاب، اقدام فرمایند.

سازمان حزب توده ایران در سقز

هشدار درباره تشدید فعالیت قاچاقچیان مواد مخدر در سقز

سازمان حزب توده ایران در شهرستان سقز، در نامه ای به سپاه پاسداران شهرستان سقز، نسبت به تشدید فعالیت قاچاقچیان مواد مخدر اعلام خطر کرد و خواهان مبارزه قطع با آنان شد. متن نامه بشرح زیر است:

«همانطور که استحضار دارید، بعد از پیروزی انقلاب، مبارزه ای وسیع علیه محور هرگونه آثار جامعه طاقتوری و استعمارزده ایران شائشاهی در تمام زمینه های اجتماعی و از آنجمله در زمینه اعتیاد و ریشه کنی آن آغاز شد و هنوز ادامه دارد.

اقدامات پیگیر نهادهای انقلابی متعهد و مسئول در این زمینه شایان توجه و تقدیر است. ولی متأسفانه بواسطه وضع خاصی که بر کردستان حاکم است، میتوان به جرات ادعا کرد که، ستاد عملیاتی باندهای فساد در زمینه اعتیاد، به کردستان منتقل شده است. گردشی کوتاه در شهرستان (خصوصاً قاطلی خاص) نمیتواند تاسف و تأثر انسان مومن به انقلاب و متعهد را بر تیانگیزد. خرید و فروش آشکار مواد مخدر و جسامتی که ناشی از عدم ترس از تعقیب و پیگرد است، چه در ای فلات کتبار به شهرستان میدهد.

این درست است که با حل اساسی و نهائی مسئله ملسی در کردستان، انقلاب به این سرزمین فقرزده ورنجبار قدم خواهد گذاشت. ولی میتوان، تا رسیدن چنین روزی، لاقول جلوی این فساد خانمانسوز و همه چیز بر بادده را گرفت. شناسائی و بازداشت و محاکمه عوامل اصلی فروش و پخش مواد مخدر، خصوصاً در این لحظه که آنها هنوز از تشکیلاتی عمیقتر برخوردار نیستند، زیاد مشکل نیست. در این زمینه، نظر شما را به نقاط زیر، که قابل کنترل و تحقیق بیشتر است، جلب مینمایم. در ضمن اخیراً چند نفر با لباس نظامی در حین خرید مواد دیده شده اند:

۱- کوچه روبروی سوپرمارکت شاداب، مدخل بازار بالا - این نقطه پاتوق معتادین و قرار و مدار خرید است (جنب تخریب آفتاب گردان فروشی محی الدین).

۲- توالت های مسجد دو مناره، مسجد جامع و نیز مسجد پشت قهوه خانه عسکر.

۳- پل ولی خان، جنب بازار پائین، محوطه دکها معروف به محله مسلم (پل مشیر).

مبلغ جمع شده در جشن عروسی
ف.ل. ۱۳۰۰۰ ریال

علاقندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کیمنش وبه شماره ۳۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

نادیا نمکی از اراک ۲۰۰ ریال
سازمان حزب در دماوند
۱۰۹۰۰۰ ریال

لطمات سنگینی...

۶- در جبهه سوسنگرد، با اجرای آتش توپخانه بر مواضع دشمن، تلفاتی به نیروهای متجاوز عراقی وارد آمد که از میزان تلفات وارده، آمار در دست نیست. در این جبهه ۳ تن از نیروهای خودی شهید و ۳ تن مجروح شدند.

۷- در کسری در ارتفاعات کنجان چم با خمپاره و توپخانه ادامه دارد. در این منطقه در اثر آتش توپخانه و خمپاره دشمن، یک تن از جانبازان ارتش اسلام شهید و ۲ تن دیگر مجروح شدند.

۸- در ارتفاعات دوازده دراز در اثر تیراندازی توپخانه دشمن، ۴ تن از نیروهای رزمنده ارتش جمهوری اسلامی ایران شهید و ۶ تن مجروح شدند.

رفیق کارگو...

۵- پریروز ۲ فرورد میگرد عراقی به منطقه اهواز تجاوز کردند، ولی قبل از انجام عملیات، در اثر عکس العمل پدافند هوایی یکانهای ارتش جمهوری اسلامی ایران مجبور به فرار شدند.

بقیه از صفحه ۱

جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام خمینی می میرد و از این بابت خوشحالم.

کسانی که بر بالینش بودند، شنیدند که رفیق امیر در دم واپسین می گفت:

«من نمی میرم. همانطور که ارانی گفت، من بدریای تاریخ می یوندم. من همراه شهدای حزب توده ایران همیشه زنده خواهیم بود.»

و جان خویش را نثار انقلاب کرد.

نمایشگاه قطعات یدکی ماشین تراکتور در تبریز

از طرف جهاد سازندگی آذربایجان شرقی، نمایشگاهی در سان شهرداری شهرستان تبریز، برای رسیدن به مرحله خودکفائی، به مدت یکماه برپاست. در این نمایشگاه، که از ۱۵ آذرماه افتتاح گردیده، قطعات مختلف ماشینهای تراکتور به نمایش درآمده است. به دنبال تشکیل این نمایشگاه، بسیاری از تکنیسین ها و مهندسیین و کارگران فنی برای ساخت و تولید وسایل یدکی ماشین تراکتور اعلام آمادگی کرده اند.

مسافرت کیسینجر...

بقیه از صفحه ۱

که با تجاوز نظامی دارودسته جنایتکار صدام انجام گرفت، اینک برای هفتمین توطئه بمنظور براندازی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران تدارک می بیند: ادامه جنگ تحمیلی رژیم صدام خائن، اختلافات، نا آرامیها و کشمکشهای درونی، که از جانب عناصر و گروههای معینی ایجاد و به آنها دامن زده میشود، منبوت آشکار جناح لیبرالها در سطح مقامات مسئول و در سطح جامعه در برابر پیشرفت و تعمیق روند انقلاب و سرانجام دامن زدن به این تحریکات، اختلافات و ایجاد درگیریها با زحمتکشان و انقلاب، از نظر امپریالیسم آمریکامساعدترین زمینه برای اجرای این توطئه است. دولت آمریکا با توجه به همین زمینه های مساعد است که پیشنهادها و شرایط بیخ و عدلانه جمهوری اسلامی ایران را در پرتو آزادی «گروگانها» گستاخانه رد میکند و با تهدید و ترغیب از دولت جمهوری اسلامی ایران میخواهد که بنا به گفته برژینسکی - «به عواقب درازمدت نزاع بنهیدم کننده با آمریکا توجه نکند»!

مسافرت کیسینجر، وزیر خارجه اسبق آمریکا، به کشورهای این منطقه و اظهارات تهدیدآمیز برژینسکی، مشاور امنیت رئیس جمهور آمریکا، علیه جمهوری اسلامی ایران نیز مانند همه دیگر فعالیتهای سیاسی و نظامی امپریالیسم آمریکا و رژیمهای ضد خلقی و دست نشانده آمریکا در این منطقه، بدون شک با اجرای توطئه مداخله نظامی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در ارتباط است. این فعالیتها و اظهارات تهدیدآمیز نمایانگر ابعاد و جوانب مختلف طرح مداخله نظامی آمریکا و موید آن واقعیت است که خطر مداخله نظامی آمریکا، به شکلهای گوناگون، علیه جمهوری اسلامی ایران، خطرناکتر و جدی و واقعی، که برای رویارویی و شکست قطعی آن، باید از جانب مقامات مسئول کشور تدابیر جدی و عملی اتخاذ گردد.

مسافرت کیسینجر، وزیر خارجه اسبق آمریکا، به کشورهای این منطقه و اظهارات تهدیدآمیز برژینسکی، مشاور امنیت رئیس جمهور آمریکا، علیه جمهوری اسلامی ایران نیز مانند همه دیگر فعالیتهای سیاسی و نظامی امپریالیسم آمریکا و رژیمهای ضد خلقی و دست نشانده آمریکا در این منطقه، بدون شک با اجرای توطئه مداخله نظامی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در ارتباط است. این فعالیتها و اظهارات تهدیدآمیز نمایانگر ابعاد و جوانب مختلف طرح مداخله نظامی آمریکا و موید آن واقعیت است که خطر مداخله نظامی آمریکا، به شکلهای گوناگون، علیه جمهوری اسلامی ایران، خطرناکتر و جدی و واقعی، که برای رویارویی و شکست قطعی آن، باید از جانب مقامات مسئول کشور تدابیر جدی و عملی اتخاذ گردد.

این اظهارات تهدیدآمیز و بیشرمانه برژینسکی، با اظهار نظر سادات خائن در مصاحبه چندی پیش خود با تلویزیون دانمارک، که طی آن اعلام کرد:

«غرب باید در جنگ ایران و عراق، حتی با استفاده از نیروی نظامی، مداخله کند تا ایران خود را به دامان شوروی نیفتد» و افزود: «اگر ایالات متحده و همیمانانش نخواهند در این جنگ

سال میلادی چگونه گذشت؟



آمریکای لاتین و کارائیب

در سال میلادی که گذشت، روند پیشرفت نیروهای دموکراتیک، مترقی و انقلابی آمریکای لاتین و کارائیب در بیکار خستگی ناپذیرشان علیه سلطه امپریالیسم، فاشیسم، استعمار و ارتجاع و در راه آزادی میلی، حاکمیت، دموکراسی و شرف

در بولیوی، پس از شکست موقت جنبش توده‌های برترکودنای فاشیستی نظامیان، این جنبش وحدت و مقاومت خود را تحکیم بخشید.
در گواتمالا، خلق این کشور بیکار خود را علیه سیاست جنایتکارانه رژیم دیکتاتوری گواتمالا گسترش داد.
مردم پاناما پس از آن که با مازره طولانی و در برتو همسنگی



خلق رزمنده نیکاراگوئه خود را از زیر یوغ رژیم وابسته بسه امپریالیسم آمریکا آزاد کرد.

اجتماعی ادامه یافت. در سال ۱۹۸۰:

بیست و یکسال پس از پیروزی انقلاب و ساختن سوسیالیسم در کوبا، جندی بیش دومین کنگره حزب کمونیست کوبا برگزار شد. کوبا در سال‌های گذشته در گستره‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به دستاوردهای درخشانی نایل گردیده است. این کشور که تنها ۹۰ میل از ایالات متحده آمریکا فاصله دارد، مجبور است به تیردی سخت با امپریالیسم آمریکا سردارزد. امپریالیسم آمریکا، چنان که رویداد های سال گذشته نیز نشان داد، هنوز حاضر نیست که واقعیت کسوسای سوسیالیستی را بپذیرد. با این همه کوبا نه تنها در برابر همه دسیسه‌های شیطانی امپریالیسم آمریکا ایستادگی پیروزمندانه نشان می‌دهد، بلکه همچنین در کمپهای انترناسیونالیستی خود، از بسیاری جهات نمونه‌وار است.

خلق نیکاراگوئه، پس از مبارزه جانسازانه و پیروزی سترگ خود بر خاندان وابسته به امپریالیسم و مستد

سوموزا، با برنامه‌های دموکراتیک و ضد امپریالیستی، و به رهبری "جبهه ساندینیست برای آزادی ملی"، به نوسازی نیکاراگوئه مشغول شد.

خلق گرنادا، پس از پیروزی خود بر رژیم خودکامه گامری، به صف کشورهای بیبوست، که دارای سیاستی آشکارا مترقی و ضد امپریالیستی هستند؛ در السالوادور بیکار رهایی بخش شدت روز افزون یافت.

امپریالیسم، بسر کردگی امپریالیسم آمریکا، تمام نیروی جهنمی خود را بکار انداخته است، تا دوران «جنگ سرد» را تجدید کند ولی نیروهای صلحدوست و ضد امپریالیست، با تشدید مبارزه خود در راه صلح، تشنج زدائی و خلع سلاح، این نقشه ضد انسانی را عقیم می‌گذارند

نفرت عمیق خود را از جنایات خوننای خونخوار السالوادور، کسه نظامیان فاشیست و گروهی از سران خیانتکار دموکرات‌های مسیحی را در بر می‌گیرد، ابراز می‌دارند.
حمایت امپریالیسم ایالات متحده را از دیکتاتوری‌های بربر-منش، فاشیست و مرتجع شیلی، بولیوی، گواتمالا، اروگوئه، پاراگوئه و هائیتی، که به ترور، شکنجه و کشتار مردم این کشورها دست می‌زنند، محکوم می‌کنند، نفرت خود را از خوننای نظامی آرزانتین، که زیر چتر حمایت آن، گروهک‌های فاشیستی شه نظامی به آدم‌ربایی و آزار و کشتار هزاران تن برداخته‌اند، ابراز می‌دارند.

حفظ خلق‌های بیست و پنج جزیره کارائیب را زیر سلطه استعمار مردود می‌شمرد.

سرکوب جنبش ملی و قتل رهبران دهقانی را در برزیل نفی می‌کند.

کوشش برای جلوگیری از استقلال "بلیز" و ممانعت از تحقق حق تعیین سرنوشت مردم مارتینیک و گوادولوب را محکوم می‌سازد.

انزجار خود را از سیاست امپریالیسم ایالات متحده، مبنی بر عدم اعطای استقلال به پورتوریکو و کوشش برای انضمام این کشور آمریکای لاتین به ایالات متحده آمریکا، علیرغم قطعنامه‌های مکرر سازمان ملل متحد در این باره و خواست محافل مترقی بین‌المللی، اعلام می‌دارد.

تلاش‌های دیرینه و مدیوحانه دولت ایالات متحده، به رهبری "سیا"، را برای درهم شکستن انقلاب کوبا، که سال پیش، از جمله، در کارزار به اصطلاح "بناهدگان" کوبایی پایان شد، محکوم می‌کند.

اروپای غربی و دیگر کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری

در سال ۱۹۸۰ در اروپای غربی و دیگر کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری:

تضادهای عمیق اقتصادی و اجتماعی ادامه یافت. بحران اقتصادی، که دامنگیر بسیاری از این کشورها شده است، تأثیری گسترده بر نافت سیاسی-اجتماعی آنها داشته و موجب گشته است که سطح زندگی مردم تنزل یابد، تورم توان-

در هاقتیستی مبارزه علیه خاندان دووالیه شدت یافت.
در جمهوری دومینیک بیکار علیه سرکوب و واگذاری کشور به سرمایه ایالات متحده بالا گرفت.
در آرزانتین مبارزه علیه وابستگی هرچه بیشتر کشور به انحصارگران ایالات متحده آمریکا و برای استقرار دموکراسی گسترش پیدا کرد.

نیروهای مترقی و دموکراتیک جهان.

امپریالیسم را، که پستیان اصلی اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیک و نظامی دیکتاتوریهایی فاشیستی و ارتجاعی قاره است و می‌کوشد تا از طریق به اصطلاح "دکترین امنیت ملی" از ارتش‌های آمریکای لاتین، به عنوان بازوهای مسلح نگاه‌های حد ملیتی، کلان زمین‌داران و الیکارسی-های مالی، علیه خلق‌های آمریکای لاتین استفاده جوید، محکوم می‌کند.

اجتماعی، بهداشت و فرهنگ، دست یازید.

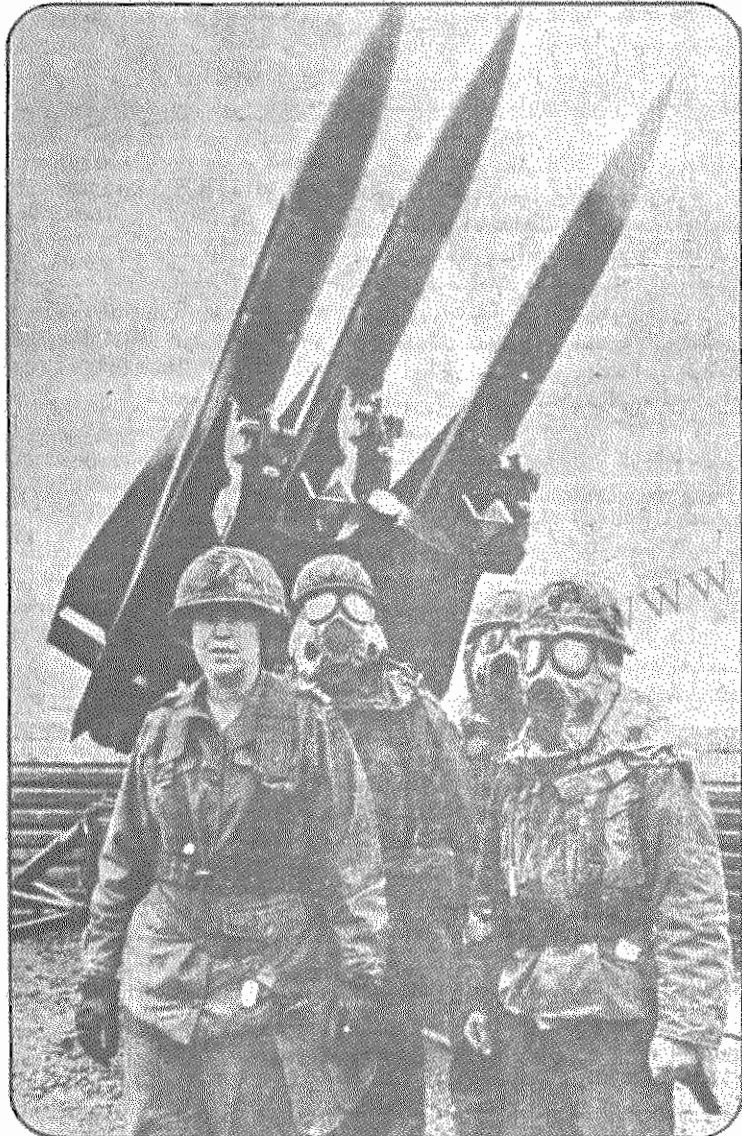
انحصارگران کوشش هماهنگ خود را برای هم پیوندی اقتصاد کشور-های عضو "جامعه اقتصادی اروپا" به سود محافل سرمایه‌داری رشد یافته‌ترین این کشورها تحکیم بخشیدند.

"ناتو" کوشید تا کشورهای بیشتری را به این جرگه تجاوزکار بکشد و برنامه‌های "دفاعی" اعضای خود و دیگر کشورها را زیر نام "سیاست دفاع اروپا"، هماهنگی بخشد. در حالی که بودجه کشورهای "ناتو" تقریباً در همه موارد کاهش یافت، هزینه‌های نظامی آنها افزایش هنگفت پذیرفت. تصمیم بی‌رامون توسعه و استقرار جنگ‌افزارهای جدید هسته‌ای آمریکا در اروپای غربی، سابقه تسلیحاتی را در سطحی بالاتر تشریح کرد.

نیروهای راستگرا و ارتجاعی تلاش ورزیدند که حقوق دستاورد-های دموکراتیک مردم و زحمتکاران را بارساسند (مانند پرتغال).

فرسا بیداد کند و بیکاری، به ویژه در میان جوانان، به ابعاد جدیدی برسد.

بار سنگین بحران اقتصادی کماکان بر دوش زحمتکاران افتاد و دولت در راه بازسازی بسیاری از حقوق و دستاوردهای طبقه کارگر، که



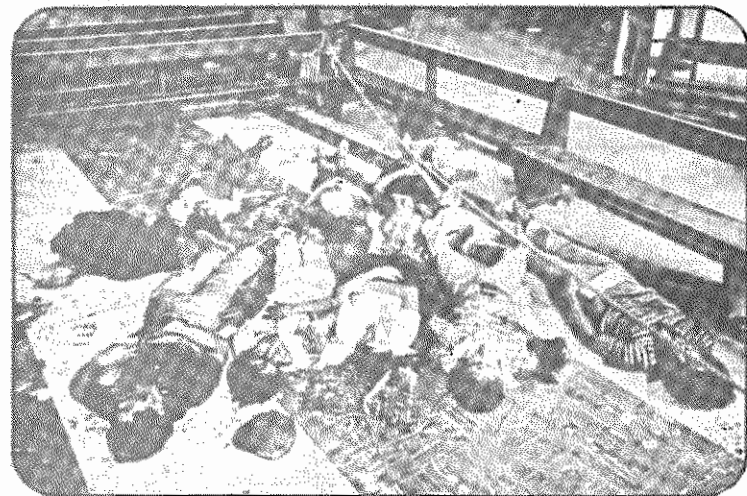
سلاحهای آمریکائی در مرز شرقی آلمان فدرال - کانون دائمی خطر برای صلح

برخی دیگر از کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری، محافل حاکمه، با هم پیمانی خود با راستگرایان افراطی، به احیای گرایش‌های ملیتارستی - فاشیستی کمک کردند (ایالات متحده، بریتانیا، ژاپن، آلمان فدرال).

موج تروریسم نفوذاستی و برادبرستانه دامنه یافت (ایتالیا و آلمان فدرال) و در بسیاری موارد از جانب محافل حاکم کوششی برای مقابله با آن به عمل نیامد.

صلح، خلع سلاح و همکاری بین‌المللی

رویدادهای سال گذشته میلادی در گستره صلح، خلع سلاح و همکاری بین‌المللی نشان داد که بیکار برای صلحی عادلانه و پایدار، تنش - زدایی بین‌المللی و خلع سلاح بخشی گسست‌پذیر از مبارزه عمومی ضد امپریالیستی خلق‌های جهان را تشکیل می‌دهد. روشن است که بقیه در صفحه ۶



حقوق بشر آمریکائی در السالوادور

زحمتکشان راه آهن آمادۀ دفاع از انقلاب هستند

زحمتکشان میهنمان در سراسر کشور آماده دفاع از انقلاب هستند و در صفوف مقدم جبهه و پشت جبهه با تلاشی خستگی - ناپذیر برای حفظ میهن انقلابی و دستاوردهای انقلاب تلاش می‌ورزند.

کارگران راه آهن نیز به دفاع از میهن انقلابی برخاسته اند و آماده جانفشانی هستند. با تکی چندا از این کارگران، که مسئول محافظت از خطوط آهن و امنیت حرکت قطارها هستند، به گفتگو می‌نشینیم، تا از اقدامات آنها برای مقابله با تجاوز دشمن مطلع شویم.

در محل برخورد جاده فرعی روستای "گلدسته" با راه آهن تهران - اهواز، با حاجی بابا سعادت صحبت می‌کنیم. نظرش را درباره جنگ تجا وزری رژیم صدام علیه ایران چنین ابراز می‌کند:

"صدام جانی به مملکت ما حمله کرده. ما تا جان داریم با ایداز مملکت امام و حیثیت خود دفاع کنیم. پسرم در جبهه است. من هم حاضرم به جنگ بروم."

وی اضافه می‌کند: "ما با مردم عراق جنگی نداریم. آنها را فریب داده اند. همانطور که ما را گول زده بودند. در زمان طاغوت ما فکر می‌کردیم مملکت آباد است. می‌کردیم. در آن زمان آمریکا نفت و همه چیز ما را می‌برد. او سخنانش را چنین ادامه می‌دهد:

"من الان ۲۵ سال سابقه کار دارم. قبل از انقلاب فقط ۱۵۰۰ تومان حقوق می‌گرفتم. ردمی هم نبودم. اعتصاب که کردیم، ۷۵۰ تومان به حقوق ما اضافه کردند، ولی ما فهمیدیم که می‌خواهند ما را ساکت کنند. ما هم اعتصاب را ادامه دادیم، تا اینکه انقلاب شد. از برکت انقلاب حقوقمان را اضافه کردند و رسمی هم شدیم."

با ما موریگر همین تقاطع بنام ذوالجناب اسدزاده، صحبت می‌کنیم. او درباره جنگ تجا وزری رژیم صدام علیه ایران می‌گوید: "تا وقتی آنها در خاک ما هستند، نبا پیدا ز صلح حرف زد. در زمان جنگ وظیفه همه سنگین تر می‌شود. راه آهن در این موقع وظیفه حساسی دارد. وظیفه راه‌دارها و راهبانها برای مراقبت کردن از راه - آهن بیشتر میشود. او در قسمت دیگری از سخنانش گفت:

"در خانه گفته ام برنج و هر چیزی را که کمیاب است، با صرفه جویی استفاده کنند." در کیلومتر ۲۸ راه آهن تهران - اهواز، در تقاطع آن با جاده "علی شاه عوض" با یکی دیگر از زحمتکشان راه آهن گفتگو می‌کنیم. نام او نادعلی باصری است. او می‌گوید: "الان، چون جنگ است، کارگران راه آهن با جدیت

کارگران کارخانه ارجمند: در این جنگ، صدام جانی از امریکا و دست نشانده‌هایش کمک می‌گیرد

کارخانه مهندس سیروس ارجمند در خیابان تهران نو واقع شده است. این کارخانه دارای بخش‌های مختلف: ساخت مخازن، ساخت اسکلت‌های فلزی ساختمان و ماشین‌سازی است. این کارخانه در حال حاضر در حدود ۱۵۰ کارگر دارد، که در یک شیفت، از ساعت ۷ صبح تا ۴ بعد از ظهر کار می‌کنند.

مالکیت این کارخانه پیش از انقلاب متعلق به مهندس سیروس ارجمند بوده است. این فرد اکنون فراری است و در آمریکا به سر می‌برد. آقای سلامتی، نماینده کارگران درباره او می‌گوید: "من ۲۲ سال تمام برای او جان می‌کنم. من هنگامی که به اینجا آمدم، او فقط صاحب یک کارگاه کوچک بود. ولی کم کم با مکیدن خون من و بقیه کارگران، صاحب چندین کارخانه بزرگ شد. او یک سال پیش از انقلاب، از ایران فرار کرد و هنگام فرارش بسیاری از اموال خود را فروخت و می‌خواست به بهانه انتقال این کارخانه به جای دیگر، این کارخانه را تعطیل کند و آن را به مبلغ ۲۲ میلیون تومان بفروشد، اما ما مقاومت کردیم. او هشدار نفر از ما را اخراج کرد و کارخانه را هم تعطیل کرد، اما ما باز هم مقاومت کردیم و او نتوانست کارخانه را بفروشد و همه ما را بیکار کند. او به ما خیلی ظلم می‌کرد. حق ما را می‌خورد. ۹ سال تمام سود ویژه را به ما نداد. لیست بیمه برای ما رد نمی‌کرد. من خودم انگشتم در حین کار شکست، ولی به زور، وبعد از سه سال توانستم مخارج درمان انگشتم را از او بگیرم. خیلی وقت‌ها حقوق مرا سه ماه به سه ماه نمی‌دادند. اضافه کاری می‌کردم، حق را نمی‌دادند. خیلی شب‌ها که به خانه می‌رفتم، پول نداشتم و با زن و بچه‌هایم با شکم گرسنه می‌خوابیدیم. من ۲۲ سال تمام است که در این کارخانه زحمت می‌کشم."

با فرار مالک این کارخانه، هیئت مدیره این کارخانه تحت نظر فردی به نام سید حسین طباطبایی، عامل مهندس ارجمند، قصد داشت که با کارشکنی و اخراج کارگران و فروش مواد اولیه ذخیره، کارخانه را تعطیل کند. اما با پیگیری کارگران و تشکیل شورای هفت نفره از جانب آنان، از خرابکاری این هیئت مدیره جلوگیری شد. از یک سال پیش برای این کارخانه از طرف وزارت صنایع و معادن یک هیئت مدیره دولتی تعیین شده، اما هنوز وضع مالکیت این کارخانه روشن نشده است. آقای ملکی، یکی دیگر از نمایندگان عضو شورای کارگران این کارخانه، در این باره می‌گوید: "ما می‌خواهیم بدانیم که منافع این کارخانه به جیب چه کسی می‌رود، مادیرگر حاضر نیستیم که برای سرمایه‌داران وابسته، کار کنیم. ما برای روشن شدن وضع مالی و مالکیت کارخانه به همه مقامات مملکتی نامه نوشته‌ایم و از آنها خواستیم که یک نماینده برای نظارت بر وضع مالی این کارخانه

"ما از دولت می‌خواهیم که هر چه زودتر وضع مالکیت این کارخانه روشن کند."

بفرستند. اما آنها هنوز نماینده‌ای نفرستاده‌اند. ما از دولت می‌خواهیم که هر چه زودتر وضع مالکیت و عواید این کارخانه را روشن کند."

در حال حاضر قسمت اسکلت سازی و مخزن سازی این کارخانه دایر است و تولید این قسمت‌ها پیش از قبل از انقلاب است. اما قسمت ماشین‌سازی این کارخانه سه سال است که تعطیل شده.

یکی دیگر از نمایندگان کارگران، به نام آقای سلیمانی، در این باره می‌گوید: "ما برای راه‌انداختن این قسمت به وزارت صنایع و معادن مراجعه کردیم و آنها هم مهندس فرستادند، تا این قسمت راه بیافتد، اما برای راه‌اندازی آن سرمایه‌زیادی لازم بود و به علت نبودن این سرمایه، این قسمت هنوز تعطیل است. اگر دولت این سرمایه را تامین کند، این قسمت را می‌توان به راه انداخت."

مواد اولیه مورد نیاز این کارخانه به طور عمده از داخل تامین می‌شود. به جز سیم جوشکاری، که کم و گران است، از نقطه نظر تهیه مواد اولیه مورد نیاز، در کارخانه کمبودی احساس نمی‌شود.

آقای سلامتی، نماینده کارگران، در مورد انجام پاک‌سازی در کارخانه می‌گوید: "اصل کاری‌ها را در این کارخانه پاک‌سازی کردیم. اما هنوز هستند کسانی که باید پاک‌سازی شوند. در مورد اضافه حقوق کارگران پس از انقلاب، آقای ملکی، نماینده کارگران، می‌گوید:

"ما هیانه ۱۲۰۰ تومان به حقوق کارگران اضافه شده است. از تغییرات دیگر اینکه: پس از انقلاب یک حمام با کمک کارگران در کارخانه ساخته شده است. از نظر بهداشت انجام شده و از این نظر کارگران رضایت بخش می‌دانند. پس از جنگ، با پیگیری شورای کارگران، کلاس سواد آموزی و کلاس آموزش نظامی در کارخانه تشکیل شده است. مدت آموزش کارگران در این کلاس‌ها جز ساعت‌ها کارشان محسوب می‌شود. ۴ نفر از کارگران این کارخانه، که منقضی خدمت سال ۱۳۵۶ بوده‌اند، به جبهه‌های جنگ رفته‌اند."

برای آگاهی از نظر کارگران درباره جنگ به محوطه مخزن سازی کارخانه می‌رویم. محیط کارگاه بسیار سرد است. اما کارگران در کنار دستگاه‌ها گرم کارند. با یکی از کارگران به گفتگو می‌نشینیم. وی خود را محمدرضا سلیمانی معرفی می‌کند. او نیز یکی از اعضای شورای کارگران است. وی در مورد جنگ تحمیلی از جانب رژیم صدام حسین می‌گوید: "من با دل و جان حاضرم که در این

کارگران مبارز ایران! در یک دست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه، از میهن انقلابی دفاع کنید!

جنگ شرکت بکنم. حتی حاضرم با همه افراد خانواده‌ام به جنگ بروم. من در زمان شاه از ارتش فرار کردم، چرا که به کار آن ارتش ایمان نداشتم. ولی حالا حاضرم که با دل و جان به میان نظامی‌ها بروم و با عراقی‌ها بجنگم. کارگران این کارخانه تاکنون ۱۷۰۰۰ تومان به جنگ‌زدگان کمک کرده‌اند. حرف و عمل این کارگران نشان می‌دهد که طبقه کارگر ایران پیگیرترین و فداکارترین و مقاوم‌ترین نیرو در برابر هجوم امپریالیسم

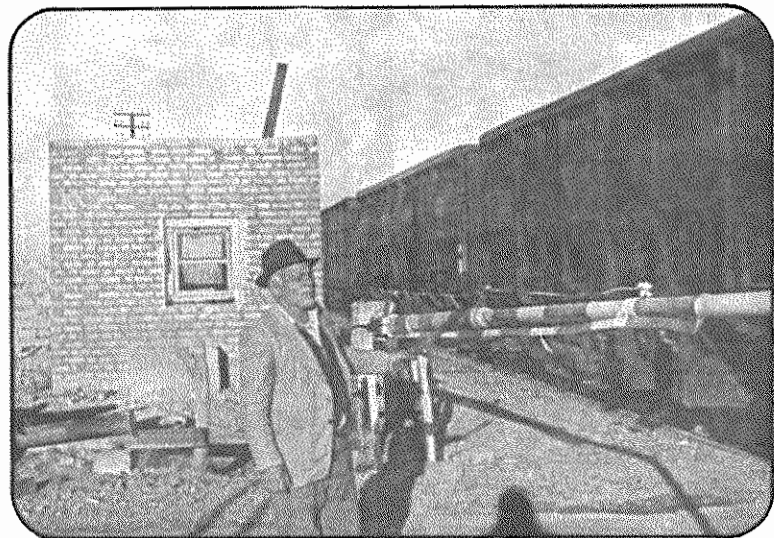
در آورد، جا دار دکه مسئولان دلسوز مملکت، مخصوصاً در سازمان غله برای بحرکت در - آردن چرخهای این واحدها در جهت تولید کالای با صرفه اقدام کنند. تجربه‌ها، منزه‌ها و ابتکار رات را بکار اندازید، نگذارید سرمایه‌کشور بنفع امپریالیسم بهتر رود.

کارخانجات نان ماشینی در استان سیستان و بلوچستان

خاله می‌خورند

تشویق به توسعه کشاورزی شوند. هر عدد نانی که از این کارخانجات بدست می‌آید، حداقل در حدود هفت یا هشت تومان تمام می‌شود. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. در حال حاضر این سراوان، ایرانشهر و چاه بهار ساخته شده‌اند، نه تنها نتوانستند مواد اولیه خود را بعلت فقر کشاورزی محل و دوری منطقه از محلهای کشاورزی تامین کنند، بلکه نتوانستند باعث

در زمان حکومت وابسته به امپریالیسم، شاه ملعون، اقدامات بی برنام و خائفانه ای صورت گرفت که صرفاً در جهت منافع انحصارات و سرمایه داران بزرگ بوده و هیچگونه توجهی به احتیاجات مردم نمی‌شد. از جمله این اقدامات بظا هر مدرن کردن صنعتی، و در باطن



دشمن انقلاب، آمریکا است. شرکت در جنگ وظیفه همه است.

بیشتری کار می‌کنند. تمام منقضی خدمت‌های سال ۵۶ راه آهن به خدمت رفته‌اند و خیلی‌ها در بسیج مستضعفین شرکت کرده‌اند. دخترم در بسیج شرکت کرده و ما دم در جبهه جنگ است و خودم آماده‌ام، اگر امام بفرماید، عازم جبهه بشوم. امیدوارم جنگ هر چه زودتر تمام بشود، ولی تا زمانی که دشمن خاک کشور ما را تصرف کرده، جنگ برای ما وظیفه است. آنها می‌خواهند انقلاب ما را از بین ببرند. آنها با امام دشمن هستند و بی‌خود از اسلام صحبت می‌کنند."

او درباره سایر فعالیت‌هایش می‌گوید: "تا بحال دوروز از حق و قمان را برای کمک به جنگ زدگان داده‌ام. غیر از این، من در جمع‌آوری گندم و پوپل، در دهی که ساکن هستم، شرکت کرده‌ام و تازه هرکاری که از دستمان بیاید با رضایت باید انجام بدهیم. در مورد زندگی‌اش نیز می‌گوید:

"۲۶ سال است که در راه - انقلاب ما را رسمی نکرده بودند. پس از انقلاب حقوقم ۳۹۰۰ تومان شد. ولی قبل از انقلاب فقط ۱۱۰۰ تومان می‌گرفتم." در "راه بند" کیلومتر ۳۶ راه آهن تبریز - تهران، با چهار واعظی صحبت می‌کنیم. او اهل آذربایجان است. می‌گوید:

"ساکن کرج هستم. ۱۱ نفر را اداره می‌کنم. به برکت انقلاب و امام خمینی ۳۸۰۰ تومان حقوق و مزایا و ۲۲۵ تومان هم اضافه کاری می‌گیرم. قبل از انقلاب مجبور بودیم با ۱۷۰۰ تومان بسازیم." او درباره جنگ تجا وزی رژیم صدام علیه ایران می‌گوید: "دشمنان ما نمی‌خواهند ایران را آزاد ببینند."

واضا می‌کند: "دو پسرم در بسیج مستضعفین شرکت کرده‌اند و هر وقت لازم باشد، خودم با زن و بچه‌هایم به جنگ می‌رویم. دشمن الان خاک ما را تصرف کرده و ما باید مقاومت کنیم." زحمتکشان میهن، با از خودگذشتگی برای مقابله با توطئه‌های دشمن آماده‌اند. آنها آماده‌اند تا با هر توطئه و دسیسه‌ای که علیه انقلاب و دستاوردهای آن می‌شود، مقابله کنند و انقلاب را هر چه بیشتر استحکام بخشند.

گامی به روستای حیات آباد (خوزستان)

در نزدیکی جبهه جنگ نیز واسطه‌های غارتگر از مکیدن خون دهقانان غافل نیستند

خواهند توانست محصول را افزایش دهند. اکنون ابزارکشت آن‌ها بطور عمده قدیمی، یعنی گاوخیش چوبی و غیره است. علیرغم شایعاتی که طرفداران مالکان برآمده انداخته‌اند، امسال نیز محصول این ده خوب بوده است. میزان کشت جو و گندم این روستا حدود ۸۶۴۰ کیلو و برداشت آن‌ها تقریباً ۱۳۶۸۰ کیلو بوده است. میزان کشت برنج این روستا در امسال حدود ۵۰۰ کیلو و برداشت تقریباً ۴۰/۰۰۰ کیلو بوده است. وضع برداشت برنج نسبت به سال‌های قبل بسیار بهتر بوده است. برنج این منطقه از نظر طعم و بو بسیار عالی و مرغوب است.

در این ده شورایی وجود ندارد، ولی بعد از انقلاب به ابتکار چند نفر دیپلمه‌های ده، شورایی تشکیل گردید و حدود شش‌ماه فعالیت داشت. این شورا توانست اختلافات داخلی روستا را حل کند و در بین مردم تفاهم و یگانگی بوجود آورد، ولی چون حکم قانونی نداشت، منحل گردید.

در مورد جنگ تحمیلی رژیم جنایتکار صدام علیه انقلاب ایران، باید گفت:

مردم این روستا آرزو دارند که این جنگ هر چه زودتر با پیروزی ایسران خاتمه یابد. آن‌ها در حالیکه فعالانه کار می‌کنند و به تولید مواد غذایی مشغولند، پشت جبهه جنگ را تقویت می‌کنند. آن‌ها می‌گویند:

"به فرمان امام خمینی تمام تلاش خود را در راه تولید بیشتر بکار خواهیم برد، تا از وابستگی رهایی پیدا کنیم."

آن‌ها با جان و دل حامی انقلاب و رهبری امام

روستای حیات آباد، یکی از روستاهای منطقه تشان در حومه بهبهان است، که حدود ۳۶۰ نفر جمعیت دارد. اهالی این روستا از طریق دوجاده به بهبهان رفت و آمد می‌کنند، جاده تشان-بهبهان و جاده دودانگه. قبل از انقلاب، این جاده مخرابه بود، ولی بعد از انقلاب، بوسیله جهاد سازندگی، شن‌ریزی و بازسازی شده است.

ده یک دبستان ابتدایی دارد، که حدود ۳۰ دانش‌آموز در آن درس می‌خوانند. ده بهداشت ندارد و بیماران برای معالجه خود یا به بهبهان روستای مشهد تشان که ۵ کیلومتری شمال آنست می‌روند و یا به شهر مراجعه می‌کنند.

آب آشامیدنی این روستا از رودخانه‌های واقع در ۱/۵ کیلومتری این روستا تامین می‌شود، که آب آشکال و زحمت فراوانی همراه است. لوله‌کشی، به علت نقص فنی در سیستم آبرسانی، بدون استفاده مانده است. قبل از جنگ تحمیلی رژیم صدام، تیرهای برق در این روستا نصب شده، ولی به علت شروع جنگ، برق‌کشی این روستا و چند روستای دیگر، موقتاً تعطیل شده است.

زمین‌های زراعتی ده معادل ۲۷ خیش است (هر خیش مقدار زمینی است که گنجایش کشت ۱۶ من گندم دارد. هر من معادل ۷۲ کیلوگرم است)، که به نسبت مساوی بین کشاورزان تقسیم شده است. نیمی از زمین‌های این روستا بصورت دیم و نیم دیگر آن آبی است. با وجود کمبود زمین، دهقانان این روستا از فعال‌ترین دهقانان حومه بهبهان‌اند و زن و مرد فعالانه در مزارع خود کار می‌کنند. اگر از نظر وسایل کشت و کار و کمک فنی به آن‌ها یاری شود، اهالی ده

خمینی هستند و وظیفه انقلابی خود را با شایستگی انجام می‌دهند.

یکی از کارهایی که جوانان این روستا علاوه بر کار کشاورزی، انجام می‌دهند، جمع‌آوری و فروش ماسه از رودخانه نزدیک آن‌هاست. یکی از آن‌ها می‌گفت:

"از ماسه‌ای که ما چند نفر با خون دل و با زحمت زیاد در رودخانه جمع می‌کنیم و غربال می‌کنیم، قیمت فروخته شده به ما می‌رسد و قیمت آن را صاحب کمپرسی می‌برد."

جوانان آرزو می‌کردند که دولت این ناپرابری را از میان بردارد، زیرا این هم نوعی استثمار توسط واسطه‌هاست. در زمینه‌های دیگر نیز واسطه‌ها و دلالان بیدامی‌کنند، و اگر چه ده بزرگ مالک ندارد، از طریق شبکه خرید و فروش دهقانان را غارت می‌کنند. پای درد دل دهقانان می‌نشینیم. آن‌ها می‌گویند:

"امسال با خون دل و زحمت زیاد پیاز کشت کردیم و تولید زیادی هم داشتیم، ولی وقتی آن را با خروج زیاد به بازار بردیم انباردارها، که همه کاره بازار هستند، قیمت‌ها را پایین آوردند و چون پیاز زود خراب می‌شود، مجبور شدیم آن را با قیمتی بسیار کم به آن‌ها بفروشیم. در حقیقت زحمت تولید را ما کشیدیم، ولی نفعش را در دستان بازاری بردند."

آن‌ها نسبت به قیمت تعیین شده گندم از طرف دولت ناراضی بودند. بعلاوه می‌گفتند:

"ما به ماشین‌آلات کشاورزی احتیاج داریم." آن‌ها انتظار داشتند که دولت در این زمینه به آن‌ها کمک کند.

در هنگام برداشت گندم، قیمت آن در بازار ۲۵ ریال بود، ولی همان گندم را اکنون واسطه‌ها به ۴۰ ریال می‌فروشند. و این نشان‌دهنده غارت بی‌دردر واسطه‌ها و سودهنگتی است که با احتکار و گرانفروشی نصب این غارتگران می‌شود.

تشکیل تعاونی برای فروش مستقیم فرآورده‌های روستاییان و کوتاه کردن دست واسطه‌ها ضرورت حیاتی پیدا کرده است. نهادهای انقلابی و همه طرفداران خط امام و مستضعفین دهات، باید به این دهقانان کمک کنند، تا آن‌ها تعاونی واقعی خویش را بدین منظور تشکیل دهند. نباید گذاشت که در منطقه حساس خوزستان و در نزدیکی جبهه جنگ، استثمارگران، با وسایل مختلف، ثمره کار دهقانان را غارت کنند.

شکایت مالک بزرگ و زندانی شدن نمایندگان شورای ده!

روستای گویم از توابع شیراز، در کنار جاده شیراز - یاسوج قرار دارد. دو بزرگ مالک این روستا که یکی از آنها قاچاقچی مواد مخدر نیز بود، چندین بار زندانی شده است - با کمک پاسگاه محل در زمان طاغوت، بارها به ایذاء روستائیان مبادرت کردند و حتی چندین نفر از روستائیان را تبعید کردند.

بعد از پیروزی انقلاب، روستائیان نمایندگان شورا (۱۲ نفر) را انتخاب کردند و زمین‌های بزرگ مالکان را مصادره نمودند و رکت کردند. (زمینها بصورت تعاونی کشت می‌شود). دهقانان در این اقدام قانونی و انقلابی خود، به رهنمودهای امام خمینی و ضرورت‌های انقلاب توجه داشتند و میدانستند که نه فقط به سود خود، بلکه به سود انقلاب کار می‌کنند.

ولی یکی از دو بزرگ مالک در این روستا هنوز یک باغ بزرگ و یک گاودانی دارد. چندی قبل باد شیروانی گاودانی را خراب کرد، ولی بزرگ مالک، که در پی بهانه می‌گشته، به دادگاه انقلاب شکایت می‌کند و روستائیان را مقصر این خرابی قلمداد می‌کند.

دهقانان با نهایت تعجب می‌بینند که متأسفانه دادگاه انقلاب به نفع مالک بزرگ رای صادر کرده و نمایندگان شورا را زندانی نموده است. دهقانان آگاه متوجه می‌شوند که دسیسه‌ای در کار است. لذا عده‌ای از روستائیان برای اعتراض به زندانی شدن نمایندگان شورا به دادگاه انقلاب شیراز مراجعه می‌کنند.

دهقانان گویم از زمان طاغوت، بزرگ مالکان غارتگر را به عنوان حامی رژیم شاه ملعون و قاچاقچی و دستگیر شناخته‌اند و اینک مصمم هستند که خودشان زمین را، که حق و قانوناً متعلق به آنهاست، کشت کنند. آنها راه تعاونی را، که نجات‌دهنده دهقانان از چنگال فقر و عقب ماندگی است، برگزیده‌اند. آنها حامی انقلاب هستند. برای آنها قابل قبول نیست که دادگاهی که نام انقلاب بر خود داده، تسلیم بهانه‌های کذابی بزرگ مالک شود و رای به زندانی کردن اعضای شورای ده بدهد. دهقانان با حمایت از شورا و از تعاونی خودشان، از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در برابر حملات بزرگ مالکان و عمال آنها دفاع می‌کنند.

امام خمینی: اگر به قوانین اسلام عمل شود، هیچ کس دارای زمین‌های بزرگ نمی‌شود. مالکیت در اسلام بصورتی است که همه تقریباً در یک سطح قرار می‌گیرند.

تعاونی‌های فروش وسیله‌ای برای جلوگیری از احتکار

قروه روستای بزرگی است که در جنوب رزن و در ۱۲ کیلومتری آن قرار دارد. جمعیت این روستا ۱۰۰۰ نفر است. روستای قروه دارای بازاری بزرگی است.

اهالی قروه اخیراً متوجه می‌شوند که در خانه یکی از اهالی مقدار قابل توجهی قند احتکار شده است. مردم بلافاصله به پاسگاه ژاندارمری اطلاع می‌دهند و خود نیز مانع از خروج قند از خانه مذکور میشوند و خانه را کنترل می‌کنند.

بازاریان که از افراد صاحب نفوذ و ثروتمند محل هستند در اثر فشار اهالی بخشی از اجناس احتکار شده را در معرض فروش قرار می‌دهند. همچنین بازاریان بمنظور واکنش در مقابل اعتراض اهالی، مغازه‌های خود را در روز تعطیل می‌کنند، تا اینکه از سوی مأموران ژاندارمری و سپاه پاسداران مجبوره با زکردن مغازه‌ها میشوند. ضمناً

مسئله دهقانان

در گرو بند «ج» است

دهقانان زحمتکش مصلحت‌ها را از هیئت‌های ۷ نفری و نهادهای انقلابی و مسلمانان انقلابی پیرو خط امام، کسه خواستار اجرای اصلاحات ررضی بنیادی هستند، برمی‌خیزند و میکوشند تا به سهم خود جلوی مشکلات و موانعی را که بزرگ مالکان و ایادی آنها، اعم از روحانی‌نمایان و لیبرال‌ها فراهم می‌آورند، بگیرند. این مخالفان خط امام اخیراً با اعمال فشارها و تشبیهات خود موجب تعویق موقتی اجرای بند «ج» شدند.

شورای ده محمودآباد، در نامه‌ای بحضور آیت‌اله منتظری که رونوشت آن برای مطبوعات فرستاده شده چنین می‌نویسد:

"بسمه تعالی

از طرف روستائیان محمودآباد از توابع شهری:

حضور محترم حضرت آیت‌اله - منتظری امام جمعه قم

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی فصل نوینی در زندگی توده‌های مستضعف بوجود آمد. ملت مسلمان ایران از بی‌وفغ ستم شاه، این نوکر گوش بفرمان امپریالیزم امریکا بیرون آمدند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نهادهای انقلاب بوجود آمدند و فعالیت مردمی خود را شروع نموده و بویژه در روستا-

حمله به تاسیسات فرهنگی در روستاها، بسود مقاصد زمینداران بزرگ است

روستاهای ما، اغلب فاقد کتابخانه، قرائتخانه و تاسیسات فرهنگی هستند، زیرا بزرگ مالکان ورژیم ملعون شاه مانع از رشد سواد و فرهنگ در دهات میشدند. چقدر باعث تأسف است که در آن روستاهای نادری که چینی تاسیساتی وجود دارد، این تاسیسات در معرض حمله عمال مالک یابی‌خبران قرار می‌گیرد.

اخیراً عده‌ای در روستای قاسم آباد سفلی به کتابخانه نوید "حمله کردند" و شیشه و قفسه کتابخانه را شکستند. این ششمین حمله‌ای است که در این روستای شهرستان رودسر به کتابخانه روستائی مذکور شده است. اهالی روستای قاسم آباد را انجمن اسلامی آن نیز، این بار صراحتاً، عمل این عده را محکوم کرد و اعلام داشتند که این اعمال خلاف پیام امام خمینی در روزهای تاسوعا و عاشر است. مبنی بر اینکه در این روز له یا علیه کسی نتظاهر نکند. حمله‌کنندگان خود را زیر نام "اسلام" پنهان کرده بودند و کتابها را در چند گونی ریخته و زیر نظر یک معلم (؟) به شهر بردند. خوشبختانه مردم جدا این عمل را محکوم کردند و انجمن اسلامی نیز حساب خود را از فریبکاران جدا کرد.

حمله به تاسیسات فرهنگی و آموزشی مغایر قانون اساسی جمهوری اسلامی و مخالف با اخلاق انسانی است. رژیم مفسور پهلوی زمینداران بزرگ تمام تلاش خود را میکردند، تا مانع رشد آگاهی زحمتکشان روستا شوند و بایره کثی از آنان، این روستائیان را در فقر و فلاکت و بی خبری نگاه دارند. هم اکنون نیز این زمینداران و عوامل وابسته به آنان بوسایل گوناگون میکوشند تا از گسترش فعالیت‌های آموزشی جلوگیری کنند و بدین طریق به قصد پلید خود، که شکست انقلاب است، برسند.

دهقانان قاسم آباد سفلی بی پرسند: چه کسی عده‌ای چماق‌دار و شیشه بدست را اجیر کرده؟ چه کسی "مخارج" این یورش را به یک کتابخانه روستائی به عهده گرفته؟ و آنها خرسندند که مسلمانان راستین پیرو خط امام و انجمن اسلامی، از این گروه جدا شده و آنرا طرد و محکوم کرده‌اند.

روستائیان محمودآباد از پیشگاه مبارک استدعا داریم تا طرح واگذاری زمین و بند "ج" آن که چندی متوقف شده است اجرا گردد، باشد که دست بزرگ مالکان از روستاهای میهن ما کوتاه گردد و دهقانان با کوشش هر چه بیشتر به امر تولید برای خود کفالتی و استقلال اقتصادی بپردازند. انشاء الله.

"روستائیان محمودآباد" با تقدیم احترامات شورای ده محمودآباد

ها سهم بسزائی را ایفا نمودند. یکی از این نهادهای فعال در روستاها هیئت‌های هفت نفره می‌باشند. مسئله‌ای که در روستاها منجمله روستای محمودآباد مهم و حیاتی است مسئله زمین است. مسئله تقسیم زمین بین دهقانان کم‌زمین و بی‌زمین، این مسئله فقط با اجرای طرح واگذاری زمین و بویژه بند "ج" این طرح که مسئله دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین در گرو همین بندهاست قابل حل می‌باشد. لذا ما

دهقانان زحمتکش! دفاع از میهن و در هم شکستن توطئه امریکا

بمعنای تولید بیشتر و کشت بیشتر نیز هست. بک و جب از زمین زراعی را بدون کشت نگذارید. بیل شما که بر زمین فرو میرود سر نیزه‌ای است به قلب دشمن

امپریالیسم، بسر کردگی

بقیه از صفحه ۳

اجتماعی باز می‌دارد.

در سال پیش:

- * بودجه نظامی ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورهای "ناتو" به گونه‌ای سهمگین افزایش یافت؛
- * کوشش برای ایجاد بیمن‌های نظامی جدید، مانند "ساتو" در منطقه خلیج فارس ادامه پیدا کرد؛
- * ایالات متحده آمریکا به مائور، تمرکز نیروهای نظامی و دسیسه‌های بی‌دری علی‌ه خلق‌های "کارائیب" دست زد؛
- * سنای ایالات متحده تصویب "سالت ۲" را به عقب انداخت؛
- * رهمنود ۵۹ رئیس‌جمهور ایالات متحده، که هدف آن استفاده نامحدود از نیروهای مسلح آن کشور است و در نتیجه، خطر جنگ هسته‌ای را افزایش می‌بخشد، اعلام شد؛
- * رسانه‌های گروهی امپریالیستی برای منحرف ساختن افکار عمومی جهان از دسیسه‌های تنش‌فزایانه خود، کارزار ضد شوروی خویش را توسعه بخشیدند؛
- * همکاری نظامی میان ایالات متحده آمریکا، "ناتو" و رهبری

رزمندگان راه صلح، آزادی ملی و پیشرفت اجتماعی با پیروزی‌های بی‌شمار خود در سال‌ها و سال اخیر امکان واقعی برای تحدید مسابقه تسلیحاتی و تامین صلح در سراسر جهان بدید آورده‌اند.

از سوی دیگر، نیروهای امپریالیستی، شوونیستی، میلیتاریستی و ارتجاعی تلاش‌های خود را برای ایجاد ائتلافی مخاطره‌آمیز علیه صلح جهانی و تنش‌زدایی بین‌المللی شدت بخشیدند.

علی‌رغم مبارزه خلق‌های جهان و ابتکارات نیروهای صلح و سوسیالیسم، بویژه اتحاد شوروی، برای دستیابی به پیشرفت‌های راستین در زمینه تنش‌زدایی نظامی، امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم ایالات متحده، کوشش خود را برای تشدید کیفی و کمی مسابقه تسلیحاتی ادامه دادند.

رویدادهای سال گذشته میلادی بار دیگر ثابت کرد که وخامت اوضاع بین‌المللی، فرآورده مستقیم تجاوزات متعدد امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا، برای بازیابی سرگرمی‌ها از دست داده است.



تفنگداران دریایی آمریکا در حال تمرین برای «حراست از منافع حیاتی آمریکا» در خلیج فارس!

«ارتجاع»، «لیبرالیسم»، «انقلاب»

شرکت نمی‌کردند، زیرا حرف دیگری نداشتند.

ولی انقلاب چون سبلی آن‌ها را هم با خود برد، رهبر انقلاب گفت: "این پسرک باید برود!" در این میان یکی از لیبرال‌ها خود را لو داد و نخست‌وزیری شاه در لب‌گور را پذیرفت.

ولی بقیه، بادیدن طالع برادربارونکر سی‌اختیار، دیگر جرئت ایستادگی نکردند و همچنان بالاچارلنگ‌لنگان از پس کاروان انقلاب رفتند. وقتی که انقلاب پیروز شد، باقی‌افه حق‌به‌حساب حکومت را به دست گرفتند و این بار کوشیدند که با استفاده از این اقتدار سیاسی، نگذارند انقلاب از چهارچوب اهداف آنها خارج شود. ولی انقلاب گامی به جلو برداشت و حکومت لیبرال‌ها را به کناری انداخت. تصویب قانون اساسی، انتخابات مجلس و به وجود آمدن دولت و دیگر نهادهای انقلابی دولتی، دیگر از حدود تحولات لیبرال‌ها به کلی خارج بود. به تدریج غول‌لندهای آشکار شروع شد. هر قدر که انقلاب به جلوتر رفت، لیبرال‌ها بیشتر به عقب گریزیدند و ترمز کردند و بالاخره کار را بجای رساندند که با نوحه "وای آزادی!" در مقابل انقلاب صف‌آرایی کردند.

خلاصه، لیبرال‌ها با تحول‌بنیادی زیرینا و روینای اجتماعی موروثی زیم طاغوت مخالف بودند و هسته‌دهمه این مخالفت‌های خود را به عنوان دفاع از "آزادی" عنوان و مطرح می‌کنند، که مقصودشان آزادی برای حفظ و ادامه ۴۴ قانون اساسی درباره نظام اقتصادی (دقیق‌تر بگوئیم، قسمت مربوط به بخش دولتی و بخش تعاونی آن) ملغی شود، اگر قانون اصلاح‌رضی جدید ملغی شود، اگر بانک‌ها و صرافی‌ها و بازارگانی خارجی به صورت سابق احیا شود، اگر ایران با آمریکا سازش کند و مستشاران و غیره را بازگرداند، اگر ایران بجای لیبی و سوریه و الحاریر و سازمان آزادیبخش فلسطین با اردن و مصر و پاکستان و عربستان سعودی و مراکش، متحد و دوست شود، اگر نیروهای اصیل انقلابی سرکوب شوند، اگر... باید اطمینان داشت که آنوقت لیبرال‌ها به کلی ساکت خواهند شد و اصلاً نام "آزادی" را هم فراموش خواهند کرد. این آقایان نماینده آن طبقاتی هستند که بقا و ادامه آن مناسبات را می‌خواهند و "آزادی" مورد طلب آنها هم، "آزادی" برای آن طبقات و آن مناسبات است و نه برای مردم زحمتکش و محروم و غارت‌شده ایران.

پس لیبرال‌ها در واقع واپس‌گرا و ترمزکننده انقلاب و دشمن انقلاب هستند - یعنی مرتجع هستند.

پس چرا به این‌ها یک دفعه مرتجع نمی‌گوئیم و خودمان را راحت نمی‌کنیم؟ چرا به این جریان عملاً ارتجاعی، لیبرالیسم می‌گوئیم؟ زیرا که لیبرال‌ها با مرتجعین کلاسیک و معروف همگان یک فرق دارند. مرتجعین کلاسیک می‌خواهند با قلمه و از خارج سرانقلاب را ببرند، ولی لیبرالیسم می‌کوشد اول از داخل با خمد "وای-آزادی" انقلاب را بی‌سرکند و بعد قلمه را به دست همان‌هایی بدهد که باید - گذاران دیکتاتوری، ایجادکنندگان "ساواک" و مبتکران سرکوب و ترور و اختناق بوده‌اند.

گمان می‌کنیم به حد کافی روشن باشد.

این سه‌وازه، در محافل مختلف کشور ماگسترش عجیبی یافته‌است. ولی در همه‌جا و همیشه معنای آنها درست‌درک نمی‌شود. برخی‌ها می‌گویند "مرتجع" یعنی "آدم عمامه به‌سر"، "لیبرال"، یعنی طرفدار "آزادی" و "انقلاب"، یعنی برخواستن یکی و نشستن دیگری برمسند حاکمیت و انواع تعابیر و معانی غلط و عامیانه دیگر.

در این مختصر نه امکان و نه خیال شرح وسیع معنای این واژه‌ها داریم، ولی به هر حال از توضیحات معینی ناگزیریم.

این انقلاب بزرگ را خلق با خون خود انجام داده است. و رهبر این انقلاب بزرگ هم امام خمینی بوده‌است. ممکن است کسانی بگویند: بلی، درست است، در ایران انقلاب رخ داده و نظام کهنه را نابود ساخته، ولی حالا حاکمیت جدید از ساختن نظام جدید عاجز است. به این افراد باید گفت که اگر همه طرفداران ایجاد نظام جدید، بجای نق‌زدن و جوب‌لای‌جرح گذاشتن و خرابکاری و ندانم‌کاری و غیره... بر رهبری امام خمینی دست به دست هم دهند و یک جبهه متحد و منسجم ایجاد کنند، بی‌شک و گمان در ساختن نظام انقلابی جدید نیز به همان اندازه موفق خواهیم بود.

پس در ایران امروز، انقلابی آن‌کسی است که هم طرفدار سرگون ساختن نظام کهنه و هم طرفدار ایجاد نظام جدید انقلابی در چارچوب جمهوری اسلامی ایران باشد - والبت، نه در حرف بلکه در عمل - و مرتجع آن‌کسی است که طرفدار نظام کهنه و مخالف نظام جدید، یعنی مخالف تغییر زیر بنا و روینای جامعه سنتی طاغوتی و ایجاد زیرینا و روینای نوین انقلابی باشد.

فقط پس از این توضیحات است که می‌توان بی‌برد که لیبرال‌ها بالاخره چه ماهیتی دارند - انقلابی هستند، یا ارتجاعی؟

لیبرال‌ها، قبل از انقلاب، از استبداد لجام‌گسیخته شاه طمعون، که آنها را در آزادی غارت مردم شریک نمی‌کرد، ناراضی بودند و نه از چیز دیگری و با همین انگیزه در انقلاب شرکت کردند. اگر شاه "در چارچوب قانون اساسی"، به همان طرزیک که لیبرال‌ها آنوقت می‌گفتند، حاضر می‌شد "فقط سلطنت کند و نه حکومت" و از غارت ثروت‌های ایران سهم بیشتری به بخش لیبرال بورژوازی ایران داده می‌شد، بی‌شک لیبرال‌ها در انقلاب

این سه‌وازه، در محافل مختلف کشور ماگسترش عجیبی یافته‌است. ولی در همه‌جا و همیشه معنای آنها درست‌درک نمی‌شود. برخی‌ها می‌گویند "مرتجع" یعنی "آدم عمامه به‌سر"، "لیبرال"، یعنی طرفدار "آزادی" و "انقلاب"، یعنی برخواستن یکی و نشستن دیگری برمسند حاکمیت و انواع تعابیر و معانی غلط و عامیانه دیگر.

در این مختصر نه امکان و نه خیال شرح وسیع معنای این واژه‌ها داریم، ولی به هر حال از توضیحات معینی ناگزیریم.

این انقلاب بزرگ را خلق با خون خود انجام داده است. و رهبر این انقلاب بزرگ هم امام خمینی بوده‌است. ممکن است کسانی بگویند: بلی، درست است، در ایران انقلاب رخ داده و نظام کهنه را نابود ساخته، ولی حالا حاکمیت جدید از ساختن نظام جدید عاجز است. به این افراد باید گفت که اگر همه طرفداران ایجاد نظام جدید، بجای نق‌زدن و جوب‌لای‌جرح گذاشتن و خرابکاری و ندانم‌کاری و غیره... بر رهبری امام خمینی دست به دست هم دهند و یک جبهه متحد و منسجم ایجاد کنند، بی‌شک و گمان در ساختن نظام انقلابی جدید نیز به همان اندازه موفق خواهیم بود.

پس در ایران امروز، انقلابی آن‌کسی است که هم طرفدار سرگون ساختن نظام کهنه و هم طرفدار ایجاد نظام جدید انقلابی در چارچوب جمهوری اسلامی ایران باشد - والبت، نه در حرف بلکه در عمل - و مرتجع آن‌کسی است که طرفدار نظام کهنه و مخالف نظام جدید، یعنی مخالف تغییر زیر بنا و روینای جامعه سنتی طاغوتی و ایجاد زیرینا و روینای نوین انقلابی باشد.

فقط پس از این توضیحات است که می‌توان بی‌برد که لیبرال‌ها بالاخره چه ماهیتی دارند - انقلابی هستند، یا ارتجاعی؟

لیبرالیسم، یعنی کوشش برای سازش میان ارتجاع و انقلاب به سود ارتجاع، ایجاد استحاله و قهرغرای جدید انقلابی در انقلاب، تخلیه انقلاب از محتوای انقلابی و بالنتیجه حفظ نظام فرسوده و کهنه با رنگ و روغن جدید؛ و آدم لیبرال کسی است که این طرزتفکر را داشته باشد و در این راه قدم بردارد. پس از این تعریف مختصر باید دید که: اولاً - آیا آنچه در کشور، رخ داده انقلاب است یا نیست، و ثانیاً - سدرارتباط با این مسئله، آیا در کشور ما انقلابی کیست، مرتجع کیست و لیبرال کیست؟ در کشور ما سلطه امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا، در تمام شئون زندگی ضربه سهمگینی خورده است. علاوه بر این، زیربنای اجتماعی - اقتصادی نظام سابق، یعنی سرمایه‌داری وابسته و بزرگ زمین‌داری نیز ضربات شدیدی خورده و در اصول مالکیت بر وسایل تولید، به سود مردم محروم تغییر کیفی رخ داده است. تصویب مالکیت دولتی و مالکیت تعاونی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (که عمده است و بر مالکیت خصوصی، که هنوز حفظ می‌شود، نظارت دارد)، تصویب قانون اصلاحات ارضی، ملی شدن

شوونیست چین گسترش یافت.

نیروهای دمکراتیک و مترقی جهان خواستارند که:

- * گام‌های مشخص برای پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی، کاهش تسلیحات و پیشبرد سیاست خلع سلاح برداشته شود؛
- * مذاکرات جاری بی‌امون تحدید مسابقه تسلیحاتی، مانند "گفتگوهای وین"، و کاهش شماره موشک‌های هسته‌ای میان‌برد تسریع گردد؛
- * کنفرانس جهانی برای بررسی مسئله خلع سلاح فراخوانده شود، از توسعه سلاح‌های هسته‌ای مانع به عمل آید؛
- * همه بلوک‌های نظامی منحل گردد؛
- * کنفرانس مادرید در باره امنیت و همکاری در اروپا "باموقفیت کار خود را ادامه دهد و گام‌های مشخصی درباره پیشبرد تنش‌زدایی و خلع سلاح برداشته شود؛
- * همه پایگاه‌های نظامی کشور-های امپریالیستی منحل شود و نیرو-های مسلح آنها از کشورهای دیگر فرا خوانده شوند؛
- * توسعه سلاح‌های جدید کشتار جمعی، مانند بمب "نوترون"، "پرشینگ ۲" و موشک‌های "گروز بی-درنگ" پایان یابد؛
- * بیمن "سالت ۲" به تصویب سنای آمریکا برسد؛
- * اقیانوس هند و خلیج فارس نظامی‌زدایی شود و شبکه مناطق صلح و بری از سلاح‌های هسته‌ای گسترش یابد؛
- * ایالات متحده آمریکا به فعالیت‌ها و تحرکات نظامی خود در "کارائیب" خاتمه دهد و پایگاه‌های خود را در "گوانتانامو"، پوئرتوریکو و پاناما برجیند؛
- * اقدامات مشخص برای پایان دادن به آزمایش‌های هسته‌ای ممنوع همه‌گونه سلاح‌های هسته‌ای به عمل آید.

درمطبوعات کشور

نمودهای توطئه جدید امپریالیسم

منطقه می‌رسد، جرقه‌های انقلاب اسلامی در دورترین نقاط عالم زده شده است و رژیم‌های وابسته عرب با تهدیدات جدی از سوی مجاهدین و مبارزین داخلی خود روبرو شده‌اند. طبیعی است که گسترش این جنبش‌های اسلامی و ضد امپریالیستی برای منافع آمریکا و هم‌پیمانان بسیار خطرناک است و اکنون این آتش یعنی ایران وهسته اصلی آن یعنی خط امام مورد شدید ترین حملات سیاسی - نظامی و تبلیغاتی باید قرار گیرد.

(کیهان - ۲۳ آذر ۵۹)

اسلامی از طریق جنگ تحمیلی بی‌ثمر ماند و دولت مزدور عراق با همه کمک‌هایی که از سوی آمریکا، عربستان، اردن، کویت، مصر و شیخ‌نشین‌ها به آن می‌شود نتوانست، "عربستان آزاد" را در خاک ما بوجود آورد، سران مرتجع عرب، در این گرد هم آمدند تا راهی برای نجات صدام و حفظ و تحکیم منافع متزلزل آمریکا در منطقه بیابند که یکی از نتایج این کنفرانس گشایش جبهه‌های دیگر در مقابل ایران بود. مطابق اخباری که از سراسر جهان و مخصوصاً کشورهای اسلامی

در یک‌ماهه اخیر حوادثی اتفاق افتاده است که خبر از تکوین توطئه - ای جدید از سوی کشورهای غربی بر علیه جمهوری اسلامی می‌دهد. این حوادث عبارتند از:

الف - تشکیل کنفرانس سران کشورهای مرتجع عرب در امان.

ب - تقویت ناوگان آمریکا در خلیج فارس و اعزام نیروهای هم-پیمانان اروپایی او به این منطقه.

ج - افزایش توطئه‌های داخلی ایران.

بعد از آن‌که نقشه امپریالیست‌ها در شکست ۶ روزه جمهوری

کردید. حجت الاسلام گلزاده غفوری در ارتباط با خرید ۲ فارجتگی از انگلستان، که مدت ها قبل خریده شده و هنوز هم به ایران تحویل نشده است، سؤال کرده بود. دکتر مهران مسئول پارلمانی وزارت دفاع در پاسخ اظهار داشت:

«دولت سابق در رژیم طاغوت دو قرارداد خرید ناو جنگی با انگلستان منعقد کرده بود. یکی از این ناوها لچستیک بود، که قرارداد خرید آن در سال ۱۳۵۳ منعقد شد و قیمت آن ۴۷ میلیون پوند بود و بعدا دولت طاغوت ۹ میلیون پوند دیگر هم به عنوان اضافه قیمت می پردازد، یعنی دقیقا ۳۳ درصد قیمت اصلی، در خلال انجام این قرارداد، اضافه قیمت پرداخت می شود. بنابراین جمعاً حدود ۳۹ میلیون پوند دولت انگلستان دریافت می کند. این ناو ۹ ماه قبل آماده تحویل بود. ۱۴ ماه قبل هم اطلاع داده بودند که ناو را باید قبلاً آزمایش کرد. بعد مسئله محاصره اقتصادی پیش آمد و دولت انگلستان شروع به تعلل کرد و بالاخره با صراحت گفتند تا مسئله گروگان گیری حل نشود، ما نمی توانیم ناو را تحویل بدهیم. با این حال هزینه نگهداری آن هم با ما بود. در حال حاضر وضع به همین صورت باقی مانده است. پول ناو تماماً پرداخت شده، ولی آن ها با وفاق از تحویل ناو خودداری می کنند. قرارداد دوم در سال ۱۳۵۶ انگلستان منعقد شده است برای ۲ ناو جنگی نیروی دریایی. کل مبلغ این قرارداد ۷۳ میلیون پوند بوده است. این کار همین طور ادامه داشت، تا اینکه در آخرین روزهای رژیم طاغوت دستور لغو این قرارداد صادر می شود و طاغوتیان چون دیدند انقلاب رویه پیروزی است، بدون توجه به منافع مردم، آن را لغو کردند. بعد ما این را بررسی کردیم و متوجه شدیم که ۲ ناو از این ها برای ما لازم است. بنابراین به کمپانی ابلاغ شد که آن فسخ قرارداد مربوط به ۲ فروند است. برای ۲ ناو اول رقمی حدود ۱۵ میلیون پوند و برای ۲ ناو دوم حدود ۷ میلیون پوند پرداخت شده است. این ۲ ناو هم آماده است و به آب انداخته شده. ما برای تحویل این دو ناو اقدام کردیم، ولی آن ها اعتنا ندارند که ما باید غرامت ۴ ناو دیگر را هم بپردازیم. ما قبول غرامت نکردیم و به آن ها گفتیم قیمت ناوها گران بوده و ما پیش از ۲۷ میلیون برای دوناو اول پرداخت نمی کنیم. بعد آنها به ما گفتند که به علت تحریم اقتصادی نمی توانند این دو ناو را به ما تحویل بدهند.»

پس از پایان توضیحات دکتر مهران، حجت الاسلام گلزاده غفوری از مسئولین خواست که روشن کنند که چه کسانی می توانستند بعد از انقلاب جلو این لطامات را بگیرند، که نگرفته اند. سؤال مذکور به کمیسیون سئوالات ارجاع شد.

آنگاه گزارش کمیسیون امور قضائی دزمورد تصویب طرح توقف اجرای کلیه احکام و دستورهای اجرایی دادگاه های صالحه و مراجع قضائی در مورد اسناد اجاره محل های مسکونی مشمول روابط موجر و مستاجر قرائت شد و برای شور اول به مجلس تقدیم گردید. سپس طرح انتزاع بنیاد شهید از بزرگترین مطرح شد و حجت الاسلام کروبی در این مورد توضیحاتی داد. آنگاه چند موافق و مخالف در این مورد سخن گفتند. پس از پایان سخنان موافق و مخالف، دزمورد لایحه مزبور رای گرفته شد و به تصویب رسید.

در حاشیه مجلس

وکیل مجلس هم خانه پیدا نمی کند،

چه رسد به بقیه

موسوی تبریزی، هنگام قرائت طرح مربوط به مسکن، گفت: «دکتر ساروخانی، یکی از نمایندگان مجلس، که حالا استاندار شده است، به من می گفت: اگر خانه برای اجاره پیدا نکنم، بالاچار از نمایندگی مجلس استعفا می دهم و به شهر خودم می روم.» موسوی سپس گفت: «ببینید حتی وکیل مجلس هم خانه پیدا نمی کند، چه رسد به بقیه.»

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد: برای مقابله با آمریکا باید خود را آماده و تجهیز کنیم

✽ آمریکا اگر در ایران مرتکب اقدامی شود، با عکس العمل سختی در سطح جهان روبرو خواهد شد ✽
✽ مجلس هفته آینده تعطیل است ✽

به محافظین همراه آقایان بوده است.» رئیس مجلس سپس از روزنامه ها و نویسندگان خواست که وقتی «چیزی مطرح می کنند و مظلوم نمایی می کنند، بدانند که زبان مجلس کواشتر نیست، پس دست از سر مجلس بردارند.» او افزود: «سنا هم دیدید که اقلیت مجلس کمتر از اکثریت حرف نمی زند، خواهی می کنم برای مظلوم نمایی حدی قائل باشید و وقتی زبان دیگری بسته است، که حق هم هست باشد، شما هم رعایت کنید.»

سپس شمس الدین حسینی، نماینده نائین، سومین سخنران پیش از دستور، پشت تریبون قرار گرفت و ضمن سخنانی از افراد حوزه انتخابیه خود بخاطر کمک به جنگ زدگان تشکر کرد. وی سپس افزود:

«در اسلام کشاورزی عبادت است و فرهنگ اسلامی کشاورزی را تشویق می کند و این فرهنگ را باید در جامعه ترویج کرد.» مطلب دیگری که ناطق به آن اشاره کرد «آمادگی مقابله با شیطان بزرگ» بود، او در این مورد گفت:

«باید از هم اکنون همه چیز آماده شود، تا مثل عراق نشود. و باید جزایر و خلیج فارس را، که احتمال دارد آمریکا به آنجا حمله کند از حالا تجهیز کنیم و از سازمان های آزادیبخش که می توانند به ما کمک کنند کمک بگیریم، با کشورهای دوست تماس بگیریم و نتوانیم در برابر عمل انجام شده ای قرار بگیریم.»

شمس الدین حسینی سپس از رئیس جمهور خواست که مشت محکمی بر دهان شایعه پراکنان بزند و دوستان انقلاب را خوشحال کند. ناطق آنگاه خطاب به آمریکا گفت:

«آمریکا باید مطلقاً ما را بپذیرد و بداند که ما که زیر نظر ولایت فقیه کار می کنیم، منطقی داریم که ۱۴ قرن ریشه دارد و بداند که اگر در ایران مرتکب اقدامی شود، سراسر جهان در برابر آمریکا موضعگیری شدیدی خواهد کرد.»

حتی گرمائی، سخنران بعدی پیش از دستور بود، که در ارتباط با وضع کنونی انقلاب و ملت سخن گفت و خواستار وحدت جناح های مختلف هیات حاکمه شد.

پس از پایان سخنرانی های پیش از دستور، مجلس وارد دستور شد، مسئله تعطیلی چندروزه آینده مجلس مطرح شد و موحی گرمائی و محمدمهدی موسوی به عنوان مخالف و موافق سخن گفتند. سپس در این مورد رای گیری شد که به تصویب رسید. بعد از تصویب این مسئله، لایحه های کمیسیون مسکن و شهرسازی، دفاع و بودجه دزمورد ترمیم یادگانها و اختصاص ۵۰۰ میلیون ریال بودجه به اینکار مطرح شد. در توضیح این طرح گفته شد که به علت صدماتی که رژیم مزدور عراق به فروردگاهها، پایگاهها و ساختمان های نیروی هوایی وارد آورده است، بودجه بیشتری باید صرف تعمیر و ترمیم این اماکن شود. با کلیات این طرح مخالفتی وجود نداشت و در نتیجه مجلس بحث دزمورد جزئیات طرح را آغاز کرد. دزمورد این طرح رای گیری شد و کلیات آن بتصویب رسید.

خودداری انگلستان از تحویل ناوهای ایرانی

آنگاه سؤال حجت الاسلام گلزاده غفوری از وزارت دفاع مطرح

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، دزمورد مسائل مختلف مملکتی بحث و بررسی به عمل آمد و حمله اخیر رژیم جنایتکار صدام حسین به اهواز محکوم شد.

در آغاز این جلسه، گیوشی، نماینده اهواز، به عنوان اولین سخنران پیش از دستور، سخن گفت. او ضمن اشاره به فاجعه آفرینی اخیر آمریکا و عراق در اهواز گفت:

«دیروز (پیرروز) ۱۶ نقطه اهواز را با توپ کوبیده اند و در حدود ۵۴ نفر شهید و ۱۱۱ نفر مجروح شده اند.»

ناطق سپس ضمن ابراز تأسف و تأثر گفت: «در اینجا ستوالی هست. آیا باید باز سکوت کرد؟ گاهی سکوت عبادت است و گاهی فریاد عبادت. موکلین من به من گفته اند اینجا فریاد بزم و از مسئولین امر سؤال کنم: مسئول این مسئله شدن افراد بی سلاح در شهرها کی هست؟ چندبار وعده داده شده که ضرب های کاری زده خواهد شد؟ ما مرتب به مردم خوزستان وعده دادیم که حمله شدید شروع می شود و هنوز نشده است. به صراحت باید بگویم مسئولین آلتور که باید حمله نمی کنند. نقش شورای دفاع چیست؟ آیا آلتور که آقای خانه ای گفته اند، شورای دفاع فقط طرح می دهد؟ اگر آلتور است بروید استعفا بدهید! ما که فقط زمین نمی دهیم، جان می دهیم، شهید می دهیم.»

گیوشی سپس خطاب به رئیس جمهور فرمانده کل قوا گفت: «اگر مسئولیت را به عهده گرفته اید، کو عمل؟»

خط مقابل خط امام

دیالوگ، نماینده مشهد، سخنران بعدی پیش از دستور، با اشاره به خط امام و اینکه تنها این خط «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» را ممکن می کند، گفت:

«از وقتی نقش این خط روشن شد، صیونیست ها خط های انحرافی دیگری رسم کردند، آن ها خطاطان پروراندند، تا اینکه این خط در برابر خط امام به روشنی مشخص شد. این خط کدام است؟ آنست که اشغال لانه جاسوسی را درست نمی داند و می خواهد پیش بینی عملیاتی دزمورد ستوت دولت در دست از آب در آید. خطی که می گوشت از روحانیت، این سنگر مقاومت در مقابل استعمارگران، مخالفین مجهول در ذهن ارتشیان عزیز ما بسازد. خطی که با یک برنامه حساب شده می گوشت تا برای گردش اذهان از آمریکای جنایتکار اینطور وانمود کند که مبارزات ضد امپریالیستی ملت ما را حزب توده ترسیم کرده است. خطی که باراک کردن جبهه های جنگ و جلوگیری از حملات تهاجمی، ارتش را دلسرد نموده و ندای قبول صلح را در میان ارتشیان سر می دهد. خطی که پس از تشکیل هیات شکنجه، شایع می کند افراد شکنجه شده را اعدام کرده اند تا هیات آن ها را نبیند. خطی که وقتی از او می پرسند آیا ممکن است روزی در کاخ با ریگان دست بدهید، می گوید دنیا، دنیا احتمالاً است و همه چیز احتمال دارد. خطی که احتمال می دهد روزی در برابر قدرت ها تسلیم نامه امضاء کند. و بالاخره خطی که امام را نه به عنوان رهبر انقلاب که به عنوان پدر خطاب می کند، تا از استقرار ولایت فقیه در جمهوری اسلامی سر باز زده باشد. خطی که فریاد بحث آزادش گوش فلک را کر کرده در حالیکه بیشتر از همه از بحث آزاد وحشت دارد و بسیاری خصایص دیگر از این خط، لذا ما امروز بیش از هر زمان دیگر مسئولیت ترسیم و تقسیم خط امام را برای ملت مسلمان ایران داریم، تا روشنی این راه به تاریکی خطوط انحرافی تبدیل نگردد.»

آنگاه حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی به مقاله ای در روزنامه «انقلاب اسلامی» اشاره کرد و گفت:

«هدف این مقاله تضعیف مجلس است. من آن روز وارد مجلس شدم، دیدم پاسدارهای مجلس آمدند جلو من و رئیس پاسدارها گفت که آقای لاهوتی در روزنامه ما را متهم کرده اند و ما با ایشان حرف داریم. در همان موقع آقای معین فر به من رسیدند و اعتراض داشتند که این ها چرا با آقای لاهوتی حرف می زنند. بعد هم در مجلس اعتراض کردند... آن روز گناشت. بعد رسیدگی کردم، دیدم آنچه گفته شده مربوط به پاسدارهای مجلس نبوده، مربوط

هشدار! هشدار!...

بقیه از صفحه ۹
«من هیچ وسیله ای را محال نمی دانم.»
«نیس»، مشاور ریگان، طی سخنانی از تلویزیون آمریکا گفت:
«رئیس جمهور (ریگان) جدید عملیات لازم را انجام خواهد داد.»
او افزود: «تمام راه های مختلف مورد بررسی قرار می گیرد.»
ژنرال گراهام، مشاور دیگر ریگان، در مسائل سیاست خارجی، پیشنهاد کرد:
«راهبانی که به جزیره خارگ در خلیج فارس منتصب میشوند و صدور نفت از آنجا صورت می گیرد، بعنوان گام نخست، مین گذاری شود.»
ژنرال دانیل گراهام، که یک بار هم در گذشته به کناره آمریکا پیشنهاد کرده بود که به ایران اعلام جنگ دهد، علاوه بر طرح مین گذاری و انفجار جزیره خارگ برای تصرف آن:

«احتمال مین گذاری بنادر نفتی ایران را اعلام نموده.»
(کیهان - ۱۰ دی ۵۹)
این تهدیدها، که بهانه آن «باج خواهی» ایران از امپریالیسم آمریکا است، تنها از دهان مقامات آمریکائی بکوش نمی رسد. روزنامه های این کشور هم در متن تبلیغات بی سابقه خود درباره «گروگانها»، که خود بر ای پرده کشیدن بر توطئه آمریکا انجام میشود، پیوسته برای ایران خط و نشان میکشند:
روزنامه واشنگتن پست، ارگان بخشی از انحصارات آمریکائی می نویسد:
«اکنون در آمریکا گونه ای احساس خشم و غزم راسخ بوجود آمده است.»
(صدای آمریکا - ۸ دی ۵۹)
روزنامه نیویورک تایمز از مقامات آمریکا می خواهد که «بیدرتنگ تمام بنادر ایسران مین گذاری شود.»
(کیهان - ۸ دی ۵۹)

این روزنامه که ارکان دیگر انحصارات بزرگ مالی آمریکاست، همچنین به مقامات این کشور توصیه می کند:
«فورا نیروهای واکنش سریع را به خلیج فارس منتقل سازد.» (همانجا)
روزنامه های آمریکائی تنها نیستند. روزنامه های انحصارات بزرگ امپریالیستی «جهان دوم» هم، همزمان با آمریکا، ایران را تهدید می کنند:
تایمز لندن، ارگان سرمایه داری مالی انگلستان، می نویسد:
«ارتکاب جنایتی چنین بی پروا (گروگان گیری جاسوسها) و بدون قصاص توسط دولت قانونی ایران، نشانه بارز هرج و مرج و روحیه تهردی است که خاص زمان ما می باشد.»
(صدای آمریکا - ۸ دی ۵۹)
روزنامه لومانی چاپ پاریس می نویسد:
«آقای ریگان آفرینندگان ماجرای گروگان گیری دیپلماتها

را جنایتکار و آذوقه نامیده است. برای او روشن است که در مورد آن جنایتکاران و آدم دزدان باید از زور استفاده کرد. روشن است که ریگان ماجرای گروگانها را از جیمی کارتر بهتر درک میکند و راهی را هم که قصد دارد از آن بسرای رویارویی با ماجرا استفاده کند، بیان داشته است: راهی قاطعانه و شاید همراه با قساوت.» (همانجا)
روزنامه استرالیائی. استرلین می نویسد:
«آقای ریگان سخنی را بر زبان آورده است که در استرالیا و بسیاری از کشورهای جهان مورد قبول قرار خواهد گرفت... رئیس جمهوری آمریکا باید از هر راهی که میتواند، تهران را برای رها ساختن گروگانها زیر فشار قرار دهد.» (همانجا)
همه این تهدیدها نشان میدهد که امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا، برای توطئه و تهاجم دیگری علیه انقلاب ایران آماده

شده است. توطئه ای که حتی ممکن است - همانطور که امام جمعه تهران گفت - تهاجم مستقیم نظامی باشد.
حزب توده ایران که از دو هفته پیش، در مقالات متعدد نامه «مردم»، تدارک امپریالیسم آمریکا و ایادی داخلی آن را برای اجرای توطئه هتم آمریکا و زدن ضربه نهائی به انقلاب ایران، افشا کرده است، بار دیگر هشدار میدهد:
مردم قهرمان ایران! مین ما لحظات فوق العاده حساسی را میگذرانند. امپریالیسم آمریکا در آستانه اجرای توطئه خطرناکی علیه انقلاب ایران است. سرمایه داران جهانی آماده شده اند تا انقلاب ایران را در خون توده ها خفه کنند. هشیار باشیم!
در این لحظات سرنوشت ساز است که لیبرالها و مائزئیستها دانسته، و متأسفانه کسانی هم ندانسته، یا ایجاد اغتشاش،

تشنج و درگیری، با تفرقه افکنی و جنجال درباره خطر موهوم «کومنیسم»، «شوری» و «حزب توده ایران» بدون اینکه حتی کلمه ای هم درباره خطر آمریکا که جدی است، فوری است و باقیست، بگویند - چه رسد به اینکه عملی برای دفع این خطر انجام دهند - میکوشند اذهان عمومی را از خطر اصلی و واقعی، یعنی شیطان بزرگ - آمریکا، منحرف سازند و بدینسان عملاً جاده را برای ضدانقلاب هموار کنند.
هموطنان مبارز! ما را از تهدیدهای امپریالیسم آمریکا هراسی نیست، اما بیک شرط: اتحاد همه نیروهای خلق، برهبری امام خمینی، برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران! اگر خلق متحد باشد - همانطور که رهبر انقلاب گفته است - آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند. هشیار باشیم و متحد شویم!

وضع امليون آواره جنگی را سامان دهيم

وجود بیشتر از یکمیلیون آواره جنگی، که نیمی از آنها کمترین محل درآمدی ندارند، به صورت خطرناکی درآمده است.
حزب توده ایران آماده است تا در سازماندهی و اجرای این وظیفه بزرگ اجتماعی، تمام نیروی خود را در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران قرار دهد.

تجاوز نظامی آمریکائی رژیم صدام به خاک میهن انقلابی ما، هزاران خانه را ویران کرد، صدها نفر را به شهادت رساند، گروه کثیری را زخمی و مصدوم نمود و هزاران ایرانی زحمتکش را از خانه و کاشانه خود آواره کرد.

اکنون که وارد چهارمین ماه تجاوز نظامی رژیم آمریکائی صدام به ایران شده ایم، مطابق آنچه که آقای شکرالله زینعلی، نماینده مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی مجلس گفته است، تنها خوزستان یک میلیون نفر آواره جنگی دارد. این یک میلیون نفر در اکثریت مطلق خود زحمتکشان خوزستانی هستند که بمبارانهای دشمن، خانه های آنها را در هم کوبیده و آنها بناچار به نقاط دیگر کشور کوچ کرده اند. گروه کثیری از آوارگان جنگی ترجیح داده اند به شهرهای دیگر خوزستان بروند. براساس آماري که آقای زینعلی در اختیار مجلس گذاشته:

«از این تعداد ۹۰۰ هزار نفر در شهرهای خوزستان ساکن هستند. در حال حاضر ۱۳۰ هزار نفر در بیابان و آغاچاری زندگی می کنند. جمعیت خود بیابان حدود ۱۰۰ هزار نفر است و آغاچاری ۳۰ هزار نفر جمعیت دارد، در صورتی که ۴۰ هزار نفر از آوارگان به این شهرها آمده اند، یعنی جمعیت این شهر به بیش از دوبرابر رسیده است.»

بقیه آوارگان جنگی هم به شهرهای دیگر، از جمله به تهران آمده اند و اینجا و آنجا منزل گزیده اند. علت پراکندگی آوارگان جنگی، همانطور که آقای مصطفی میرسلیم، معاون وزارت کشور، در مجلس گفت، ناشی از

این امر است که:

«در وزارت کشور پیش بینی نمی کردیم که مساله ای بنام جنگزدگان بوجود آید و برنامه خاصی در این مورد، که با یک میلیون تا یک میلیون و ۲۰۰ هزار آواره جنگی چه کنیم، نداشتیم.»

در نتیجه، وجود بیشتر از یک میلیون آواره جنگی در نقاط مختلف کشور، مسائل و مشکلاتی بوجود آورده، تا آنجا که، بقول معاون وزارت کشور: «این مساله بصورت خطرناکی درآمده» است.

آنچنانکه اخبار و اطلاعات رسمی نشان میدهد، نیمی از آوارگان جنگی زیر پوشش دولت هستند. برای این ۵۰۰ هزار زحمتکش ایرانی، که در واقع قربانیان جنایت امپریالیسم آمریکا هستند، در مرحله اول خانه و کاشانه ای، که در آن پیتوته کنند، اهمیت دارد. علاوه بر اینکه این هموطنان عزیز ما جایی برای زندگی ندارند، کودکان آنها هم از ادامه تحصیل محروم شده اند. بعلاوه، حضور این خانواده ها در شهرهای دیگر سبب شده است که مثلا مدارس بیبهباد و آغاچاری تعطیل شود و زندگی روزانه مردم این شهرها هم با دشواری روبرو گردد.

بعدا از این، باید از تصمیم دولت درباره کاهش حقوق این آوارگان به میزان دوسوم یاد کرد.

در مورد ۵۰۰ هزار نفری که حقوق بگیر دولت هم نیستند و از زحمتکش ترین و فقیرترین اقشار مردم قهرمان خوزستان هستند، وضع به مراتب بدتر است. این هموطنان زحمتکش ما، که قربانی جنایت بیرحمانه امپریالیسم آمریکا شده اند، حتی کوچکترین ممر درآمدی ندارند و براساسی در شرایط بسیار دشواری بسر میبرند. البته دولت و ارگانهای انقلابی اردوگاههایی برای این آوارگان ساخته اند و برخی از آنها را هم در هتل های شهرها سکنی داده اند، اما باید گفت که این اقدامات پیچوجه کافی نبوده است.

علاوه بر اینکه زندگی بیشتر از یک میلیون هموطن در ایران انقلابی، در چنین شرایطی، بخودی خود شایسته انقلاب ایران نیست، ضدانقلاب هم با تمام نیرو میکوشد که از این جمعیت عظیم برای انجام نقشه های شوم خود بهره برداری کند. از جمله مائوئیست های آمریکائی دیکتاتور، که همراه

با امپریالیسم آمریکا نقشه براندازی انقلاب ایران را پیاده میکنند، بدون آوارگان جنگی رفته اند و پیوسته آنها را تحریک میکنند.

مجموعه این عوامل، همانطور که آقای شکرالله زینعلی در مجلس گفت، نشان می دهد که:

«اگر به این موضوع رسیدگی نکنیم عواقب سیاسی و اجتماعی نامناسبی بدنبال خواهد داشت. باید با همان قدرت که به رزمندگان می رسیم، به آوارگان جنگی نیز رسیدگی کنیم.»

برای حل مشکل آوارگان جنگی -ولو بطور نسبی- لازم است دولت بفوریت آماری از آنها تهیه کند و با بررسی امکانات شهرهای مختلف، آنها را در نقاط مختلف کشور تقسیم کند، تا هم همه مردم کشور در کمک به هموطنان قهرمان خوزستانی خود شریک باشند و هم اینکه هجوم آوارگان به یک شهر، زندگی خود مردم آن شهر را نیز مختل نکند، برای مثال در تهران هزاران خانه طاغوتی - از جمله شهرک غرب - خالیست و دهها هتل بزرگ وجود دارد، که در حال حاضر مسافر ندارند.

به این امکانات میشود خوابگاههای دانشجویی و دیگری امکانات دانشگاهها را افزود. میتوان آوارگان جنگی را در این خانه ها جا داد و با کمک مردم فداکار ایران و دولت برای آنها حداقل زندگی را تأمین کرد و کودکانشان را به مدرسه فرستاد. بیکمان، جوانان این خانواده ها در صورت مسلح شدن آماده هستند، تا به جبهه بروند و برای بازپس گرفتن خانه و وطن خود از دشمن تجاوزگر برزنند. در مورد حقوق - بکیران دولت نیز توجه جدی به تأمین زندگی آنها را باید برموارد بالا افزود و در مورد آن ۵۰۰ هزار نفری که مبر در آمد ندارند، باید جدا به تأمین زندگی شان کمک کرد.

اینجا پیشنهاد های محدودی است که بدون تردید از جانب دولت و سایر ارگانهای مسئول - با توجه به اطلاعات و امکاناتی که دارند - میتواند تکمیل شود.

حزب توده ایران، مانند همه نیروهای انقلابی حاضر است تا در سازماندهی و اجرای این وظیفه بزرگ اجتماعی، تمام نیروی خود را در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران بگذارد.

حزب توده ایران، مانند همه نیروهای انقلابی حاضر است تا در سازماندهی و اجرای این وظیفه بزرگ اجتماعی، تمام نیروی خود را در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران بگذارد.

حزب توده ایران، مانند همه نیروهای انقلابی حاضر است تا در سازماندهی و اجرای این وظیفه بزرگ اجتماعی، تمام نیروی خود را در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران بگذارد.

به زبان لیبرالی، بالهجه آمریکایی شعار حزب توده در:

ایران استان

خطر شوروی

خطر امریکا

شوخی است

جدی است

متفرق شویم

متحد شویم

میزان ۱۰/۱۰/۵۹

ترجمه به فارسی شعار لیبرالها در

ایران

خطر امریکا

خطر شوروی

شوخی است

جدی است

متفرق شویم

متحد شویم

شانزدهمین سالگرد مقاومت خلق فلسطین در برابر اشغالگران صهیونیست

فاروق قدومی، عضو شورای اجرائی سازمان آزادیبخش فلسطین، در مصاحبه ای با روزنامه پروادا گفت که مسئله خاورمیانه تا زمانیکه خلق فلسطین حق مشروع خود را در مورد ایجاد یک کشور مستقل و حق تعیین سرنوشت، بدست نیارده است، حل نخواهد شد. وی گفت که همه فلسطینی ها باید این فرصت را بدست آورند که بتوانند به زادگاه خود بازگردند.

اعتراض به پایگاههای آمریکادراسپانیا

نزدیک به ۱۰۰۰ نفر از اهالی کامپلونا و تولوا شهری در اسپانیا برای اعتراض به پایگاههای نظامی آمریکا در خاک اسپانیا دست به تظاهرات زدند. تظاهرکنندگان پلاکاردهائی در دست داشتند که روی آنها نوشته شده بود: «یا تکیها گور خود را از اسپانیا گم کنید!» - «ما به مدرسه احتیاج داریم، نه پایگاههای نظامی!» تظاهرکنندگان، در اجتماعی که در میدان مرکزی شهر بزیا کردند، برچیده شدن پایگاههای آمریکا را از اسپانیا خواستار شدند.

حزب کمونیست آمریکا همبستگی خود را با شهرداران اخراج شده از سوی صهیونیستها اعلام کرد

حزب کمونیست آمریکا، با انتشار بیانیه ای، همبستگی خود را با شهرداران شهرهای الخلیل و خلخول، که بعنوان اعتراض به اخراج خود از سوی مقامهای صهیونیست تل آویو، در مقر سازمان ملل متحد دست به اعتصاب غذا زدند، ابراز داشت. در بیانیه حزب کمونیست آمریکا گفته می شود:

«خودسری های مقام های اشغالی اسرائیل، خشم همه ملت های شریف را برانگیخته است. اخراج غیرقانونی شهرداران این دوشهر اقدامی نژادپرستانه و ضددمکراتیک است.»

حزب کمونیست آمریکا در بیانیه خود از همه آمریکائیهائی که از آرمان عدالت و آزادی پیروی می کنند، خواسته است که بانک اعتراض خود را در دفاع از این دو شهردار بلند کنند.

«تعارف کنونی این جبهه در شمال کشور قسمتی از طرح جبهه برای سرنگون کردن رژیم وابسته به آمریکا در السالوادور است.» این جبهه همچنین از مردم خواسته است که برای یک اعتصاب عمومی آماده شوند. در بسیاری از کارخانه ها و ادارات



تعرض بزرگت علیه رژیم السالوادور آغاز شد

انقلابیون السالوادور تعرض وسیعی را در شمال السالوادور علیه داریوسته حاکم بر این کشور آغاز کرده اند.

انقلابیون همراه با مردم مسلحی که به آنها پیوسته اند، در چند نقطه موفق شده اند که ارتش مزدور السالوادور را تارومار کنند. در همین نقاط تعداد زیادی از سربازان میهن دوست به انقلابیون پیوسته اند.

فرماندهی جبهه آزادیبخش ملی فارابوند مارتی - جبهه متشکل از نیروهای چپ - اعلام کرد:

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM

No. 409
1 January 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts.
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۱۴/۳۵۵۱، منطقه پستی تهران